

## بازخوانی و بازاندیشی نظریات دکتر محمدرضا اولیاء در معماری

آزاده شهابی پور<sup>۱</sup>، علی کبیری سامانی<sup>۲</sup>، حمیدرضا بیگ زاده شهرکی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد مطالعات تاریخ معماری ایران، پردیس هنر و معماری دانشگاه امام جواد (ع)، یزد، ایران.

<sup>۲</sup> عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هرنند، گروه معماری، هرنند، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه ای، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

آزاده شهابی پور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۴

### چکیده

داستان و داستان گویی، از جمله عرصه هایی است که خالق یکتا نیز در پیاده سازی تعالیم خویش از آن بهره گرفته است. در واقع این ابزار برای صیانت از آموخته های بشری است و از اینرو دور از انتظار نیست تا نقل سینه به سینه نیز شگرد داستان یافته و با ذات الوهیت پیوندی ناگسستنی برقرار نماید. معماری که هنری است آمیخته از علم و تجربه که صد البته تجربه در آن فوق علم است؛ هم به حفاظت و آنهم حفاظت تحریری محتاج است تا خطاها را در نقل و انتقال کاهش داده و باعث بکر بودن مسایل مطرح شده و زنده و ثابت ماندن آن گردد. این مقاله، برای ارزیابی و کاوش نظریات و دیدگاه های اولیا می باشد که حاصل تجربیات عمیق ایشان در حوزه معماری است و در سلسله مراتبی از جریانانی بروز و ظهور نموده که یا در لحظه نازل شده یا محل تکفر جمعی می باشد. بر این پایه پس از مرور کوتاهی بر زندگی ولی، با کاربرت روش تحلیل محتوا، مجموعه ای از مباحث مطرح شده از سوی ایشان در جلسات برداشت از بناهای تاریخی و درس آشنایی با هنرهای سنتی ایران واکاوی و ارزیابی می گردد. در مجموع می توان نگاه اولیا را برای حفظ معماری اصیل و پایدار در دو محور شامل ضرورت توسعه و گسترش حفاظت تحریری و عطف توجه به شیوه های آموزش معماری بدور از شیوه های مرسوم و رسمی کنونی خلاصه کرد.

**واژگان کلیدی:** دکتر اولیاء، نظریه، معماری، حفاظت، آموزش، روش تحقیق.

## مقدمه

روایت<sup>۱</sup> شامل متونی است که دارای شخصیت، حادثه و کنش شخصیت‌های داستان باشد که به صورت نظم یا نثر، شفاهی یا مکتوب از گذشته تاکنون عرضه شده است. بنابراین روایت با تاریخ بشر آغاز می‌شود و در هیچ جا ملت بی‌روایتی وجود نداشته است. (Barthes, 1977: 79). گریماس، روایت را محدود به قصه و داستان می‌داند و معتقد است که اینها متونی هستند که ماهیت مجازی دارند. متونی که کنشگری<sup>۲</sup> شخصیت داستان - مخصوص به خود دارند؛ کنشگرانی که دست به کنش می‌زنند و بدینگونه شخصیت آنها شکل می‌گیرد (اخوت، ۱۳۷۱: ۹). هدف نهایی روایت‌شناسی، کشف الگوی جامع روایت است که تمامی روش‌های ممکن روایت داستان‌ها را در برمی‌گیرد. در واقع، همین روش‌ها هستند که تولید معنا را میسر می‌کنند. (برتنس، ۱۳۸۴: ۸۷)

داستان، عرصه‌ی آموزش و پرورش نوع بشری است که خالق یکتا نیز در پیاده‌سازی تعالیم ادیان و کتب آسمانی از آن بهره گرفته و در واقع این ابزار ضروری برای صیانت از آموخته‌های بشری است. دور از انتظار نیست تا نقل سینه به سینه نیز مبتنی بر همان شگرد داستانی بوده و با ذات الوهیت پیوندی ناگسستنی یافته باشد. به گونه‌ای که می‌توان این شیوه (نقل سینه به سینه) را ابزار دانش، ابزار آموزش و البته ابزار پرورش دانست.

اما آنچه بیشتر در داستان مستتر شده و بدان فعلیتی منسجم و پویا بخشیده، مقوله‌ای به نام حفاظت است. اگر داستان به زبان تعریف شود؛ حفاظت کلامی یا زبانی شکل گرفته، اما اگر داستان به نثر کشیده شود؛ حفاظتی از نوع تحریری رقم می‌خورد. حفاظت تحریری، حفاظتی است که خطاها را در نقل و انتقال کاهش داده و باعث می‌شود بگردن جمله‌ها و مسایل مطرح‌شده ثابت و زنده بماند. این نوع حفاظت، کاربردی‌ترین شیوه‌ی حفظ و صیانت از دانسته‌ها و علوم گذشتگان برای حال و آینده و هم‌چنین شیوه‌ی حفاظتی بکری از قول‌ها و تجربیات امروزیان برای آیندگان است.

بنابراین منطقی است تا داستان شخصی که حاصل تجربیات خود را که بخش عظیمی از آن محصول اقوال مختلف استادکاران و یا حاصل پژوهش خویش و زندگی عالمانه می‌باشد؛ گردآوری و تحلیل کرد. شخصی که رسالت خویش را، رسولانه پی گرفته و در طبق اخلاص نهاده تا آن را در مقام یک معلم معمار عرضه کند. صد البته شنیدنی‌تر آن است که این روایات حاوی نکته‌ها و جریاناتی است که یا در لحظه نازل شده و یا حاصل یک تفکر جمعی می‌باشد.

## مرور کوتاه بر زندگی دکتر محمدرضا اولیاء

دکتر محمدرضا اولیاء معروف به دکتر اولیاء معماری است. او که فرزند ارشد خانواده است، در یک خانواده‌ی مذهبی یازده نفره و در تاریخ چهارم فروردین‌ماه سال ۱۳۳۱ هجری شمسی، در شهرستان بم دیده به جهان گشود. پدر وی فرزند مرحوم ابوالحسن اولیاء از بازاریان یزد، یکی از کارمندان بانک ملی در یزد بود که بعد از بازنشستگی به دلیل وجهه مذهبی و رعایت حدود شرعیه، مسوولیت امور مالی دفاتر آیات عظام خاتمی و صدوقی را بر عهده داشت. مادر وی نیز فرزند مرحوم حجت‌الاسلام سید هاشم نجفی یزدی از مورخین حوزه‌ی یزد و هم‌چنین نوه‌ی مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالحی نجفی طباطبایی یزدی، حاکم شرع یزد بودند.

دکتر اولیاء، دوره‌ی دیپلم را در یزد، در دبیرستان ایرانشهر گذراند و سپس با قبولی در بورس تحصیلی، کارشناسی خود را از دانشگاه UTM آمریکا اخذ کرد. بعد از مراجعت به موطن، کارشناسی ارشد را در دانشگاه علم و صنعت و دکتری خود را در دانشگاه تهران به پایان رساند.

در دوره‌ی دکتری از محضر اساتید بنام و بزرگواری چون استاد محمدکریم پیرنیا، دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، دکتر مهدی حجت، دکتر حجت‌الله قدیمی، دکتر حسین الهی قمشه‌ای، دکتر داراب دیبا، دکتر ایرج اعتصام، مهندس محمود توسلی، دکتر مسعود پورریاحی و شادروان دکتر لطیف ابوالقاسمی کسب فیض نمود. با این حال، تلاش برای دریافت سرچشمه موضوعات مرتبط با معماری با ریشه‌های مذهبی، باعث شد علاوه بر اساتید دانشگاهی مرتبط با معماری، از محضر دیگر بزرگواران نظیر دکتر محمود

1- Narrative

2- Actant

رازجویان، دکتر هادی ندیمی و دکتر علی غفاری نیز نکته‌های متعدد بیاموزد. البته رغبت‌های مذهبی که از ابتدا در وجود ایشان و از خانواده شکل گرفته بود، نیز موجب شد تا در حلقه‌های مباحث دینی و فلسفی و ... در مراکز دینی و حوزوی شرکت نماید. پیوند باطنی دکتر اولیاء با قرآن و اهل بیت در مددگرفتن زیاد ایشان از آیات قرآن و احادیث (برای تبیین مباحث)، نمایان است؛ چنان که به گفته ایشان این درسی بوده که از شاگردی و ملازمت با استاد باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی گرفته است. اینکه قبل از هر صحبتی آیه‌ای مناسب آن، با مباحث آن جلسات، در ابتدا روشن‌گر راه باشد.

اما از آنجا که دکتر اولیاء به تاسی از امام علی علیه السلام معتقد است "تجربه فوق علم است" در زمان تحصیل و حتی پس از دانش‌آموختگی، سعی بر آن دارد تا با نزدیکی به معماران بنام سنتی استان یزد و خارج استان، نکته‌هایی را که کمتر در مراکز علمی توانسته بدانها دست یابد، از آنها بیاموزد. بدین‌خاطر سال‌ها در کنار معمارانی نظیر استاد حاجی علی‌اکبر آخوند (خرمی)، استاد حسن صادقیان، استاد کمالی، استاد علی‌اکبر باغبان‌زاده، استاد حاجی حسین مطلبی‌زاده، استاد حسن کلانتر، استاد محمد-علی صادقیه، استاد محمدعلی مروی نام و حتی کارگران و ساکنان و شاغلان و بناهای سنتی آبادیهای اطراف در مقام استاد، خون دلی خورده و در نهایت گلی حاصل کرده است.

با آنکه جنس دکتر اولیاء با روح خشک و کاملاً غیرمنعطف نظام اداری، ناسازگار بود و سعی داشت همواره یک دانش-جو باقی بماند؛ ولیکن با این نگاه که شاید بتواند علم و تجربه‌ی آموخته‌شده را برای حفظ موارث ماندگار استان به کار بندد، برخی مناصب اداری را با امید به گشایش کار در حوزه‌ی معماری پذیرفت. بدین لحاظ از سال ۱۳۵۹ مسوولیت میراث فرهنگی استان، مسوولیت حفظ و احیای بناهای تاریخی کشور و در سال ۱۳۶۳ با حفظ سمت ریاست، سرپرستی دفتر فنی استانداری یزد را بر عهده گرفت. در طول این مدت یکی از کارهایی که هنوز هم از آن با افتخار یاد می‌کند؛ برپایی نمایشگاهی در سال ۱۳۵۹ با عنوان "جستجوی استقلال در معماری" در پایگاه سابق میراث فرهنگی یعنی باغ دولت آباد بود و آن هم به دلیل اهمیت مفهوم استقلال که بخصوص در معماری سنتی نمایان‌تر می‌نمود و همچنین سنخیت فراوانی که با یکی از شعارهای سه‌گانه جمهوری اسلامی داشت (اولیاء، چیدمان، ۱۳۹۴: ۴۶). یکی دیگر از کارهای مهم و قابل تأمل دکتر اولیاء که بعدها نقش یک معلم را برای او داشت؛ بحث نقش مؤثرشان در خریداری خانه‌ی لاریها در سال ۱۳۶۳ بود. قریب به دو ماه، تخلیه زباله‌ی این خانه به طول انجامیده که دکتر اولیاء از آنجا به نوعی نگاه جدید در مورد دریافت اطلاعات از محیط پیرامون نائل شد و نام آن را منابع مدفوع نهاد. یعنی از طریق زباله‌ها و نخاله‌ها به روشی معکوس می‌توان به شناخت محل انباشت زباله‌ها و افراد مولد زباله و ساکن در آن محل رسید (برداشت از بناهای تاریخی، ۱۳۹۵).

بعدها به دلیل آزرده‌خاطرشدن از نظام اداری و با شروع به کار دکتر شاهی در یزد، در پی کوشش این دو بزرگوار و همچنین دکتر حسین آیت‌اللهی کوچ آموزش علمی و دانشگاهی رشته‌ی معماری از مرکز کشور به اولین ایستگاه خود یعنی شهرستان یزد اتفاق افتاد که این، دگردیسی نویی را در زمینه‌ی آموزش معماری و معمارپروری بوجود آورد. چراکه معماری از جلوه‌ی بیگانگی به جلوه‌ی آشنای با بستر و زمینه کوچ کرده بود و فصل آموزش، حیات دیگری می‌یافت. به دنبال تلاش برای ایجاد دانشکده‌ی معماری در سال ۱۳۶۶ ه.ش، عضویت هیأت مؤسس دانشکده به عهده‌ی دکتر اولیاء و در نهایت، وی به عنوان یکی از اعضای هیأت علمی، سال‌ها تجارب و علوم خود را بی‌هیچ چشم‌داشتی به دانشجویان و دانش‌پژوهشان ارزانی داشت.

آثار و نوشته‌های دکتر اولیاء که از صدق دل و صفای وجود تدوین می‌شد؛ همگی برآمده از علم و تجاربی است که سالها زیستن در یزد برای ایشان فراهم آورده بود. از وی تعداد کمی مقالات در مجلات مختلف علمی-پژوهشی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است که در حوزه‌های فرآورده‌های اطلاعاتی معماری، تعمیر و مرمت کاشیکاری معرق، آشنایی با استادکاران معماری سنتی ایران، ساختار فضایی بازار، ارزش‌های پایدار در معماری سنتی یزد و معماری اصولی و ... در سال‌های مختلف منتشر شده که عمدتاً به عنوان پایه‌ای در تداوم راه ماندگاری میراث فرهنگی یزد، مرجعی برای بهره‌مندی دانشجویان و دانش-پژوهان است.

تلاش و کوشش کم‌نظیر دکتر اولیاء در پایدارسازی فعالیت‌های اصیل معماری سنتی یزد را می‌توان در پرورش و تربیت شاگردانی جستجو کرد که هریک خود، در این دوره و زمانه دعوی به حقی برای نگاهداشت میراث ماندگار یزد یعنی معماری

سنتی و اصیل یزدی دارند. زمینه‌های گرایش دکتر اولیاء به معماری بویژه مرمت را می‌توان در نظریه‌ی ایشان جستجو کرد. آن‌جا که بیان می‌کند:

«معماری از مرمت جدا نیست و این دو باهم یکی هستند. مرمت انجام می‌شود برای اینکه بتوان معماری کرد. اینکه ما از تجربه به تولید برسیم با نوع نگاهمان متفاوت است. اینها در تعامل با یکدیگرند و اساساً تعمیر را یک فرصت مطالعاتی می‌دانم، فرصت مطالعاتی می‌تواند سیدرکن‌الدین یا مسجدجامع و ... باشد» (مجله چیدمان. سال چهارم).

علاوه بر این، بزرگ‌شدن درخانه‌ی جدمادری- مرحوم حجه‌الاسلام سیدهاشم نجفی یزدی- که در بافت تاریخی یزد قرار دارد و به نوعی میراث فرهنگی است، بذریعۀ علاقه و گرایش به مرمت را در دل ایشان به ودیعه نهاد و در سال‌های بعد به بار نشانده. همچنین ملازمت با دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی در زمان ورود به میراث فرهنگی را نیز باید مزید بر این دلایل دانست. دکتر اولیاء در این خصوص چنین می‌گوید:

«تجربیات یک‌ساله در میراث، نشان داد که دانش‌آموختگان دانشگاهی نمی‌توانستند اصطلاحاتی را که اساتید معماری سنتی مثل استاد علی‌اکبر آخوند، استاد علی‌اکبر باغبان‌زاده به کار می‌برند، متوجه شوند. بعدها معلوم شد حتی معمارانی هم که در داخل کشور درس خوانده‌اند؛ نمی‌توانند این اصطلاحات را متوجه شوند. بنابراین ضروری بود در میراث، فردی نوشتن تمامی آنچه را که نمی‌توانستند بر عهده بگیرد» (همان).

### پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه‌ی پژوهش مشخص شد تحقیقی با این عنوان تا به حال انجام نشده است. با این حال برخی از تحقیقات بدلیل نوع روش انتخابی یا واکاوی برخی از نظریات برجستگان حوزه‌ی معماری، به دلیل مشابهت با این پژوهش مرور می‌شود. میرمیران بر این باور است که بررسی معماری معاصر ایران نشان‌دهنده‌ی آن است که با وجود تنوع آثار خلق شده، اصول کلی و الگوها تنوع زیادی ندارند و تکامل معماری ایران تنها با ارتقای عوامل یادشده و نه تغییر و جایگزینی آن، بلکه با نوآوری صورت می‌پذیرد. (میرمیران، ۲۰۰۶: ۱۱)

شایان و همکاران در بررسی رویکردها و گرایش‌های معماران معاصر ایران و بر طبق نتایج بدست آمده از مؤلفه‌های یادشده ویژگی‌های مشترک و قابل اتکایی را از تفکرات و محصول معماری معاصر ایران برمی‌شمارند. بر این پایه آنان معتقدند با علم به این موضوع، طبقه‌بندی رویکردها متضمن واژه‌هایی است که با انتساب به آن‌ها می‌توان گرایش‌های هر دوره را طبقه‌بندی کرد. آنها وجوه مشترکی را که میان رویکردهای نسل‌های مختلف معماری مشاهده می‌شود؛ شامل موارد زیر می‌دانند:

- در آثار برخی معماران گرایش به احیای بدون تغییر معماری سنتی و عناصر آن در فضای معماری امروزی قابل مشاهده است؛

- رویکرد مدرنیسم در همه‌ی دوره‌ها نشان از تأثیر این جریان بر معماری معاصر ایران دارد که البته با خوانش معماران ایران به ویژه نسل‌های دوم و سوم معماران معاصر ایران و تلفیق آن با معماری ملی و بومی موجب پدیدآمدن عناصر کاربردی در طراحی و محصول معماری در ایران شده است. البته با تلفیق گرایش‌های اسلامی، سنتی، بومی و محلی، زمینه‌ی تثبیت روش‌هایی چون تجدید حیات‌گرایی، منطقه‌گرایی و رسوم‌گرایی فراهم شده است.

- در سال‌های اخیر با پیشرفت تکنولوژی و البته براساس میزان ورود آن به مرزهای ایران، معماران نیز همانند دیگر متخصصان از تکنولوژی‌های برتر در ساخت و طراحی آثار خود استفاده کرده‌اند؛

هم‌چنین با ورود رایانه در همه‌ی علوم، معماری نیز از این امر مستثنی نمانده و حوزه‌هایی مانند معماری دیجیتال و فن‌آوری نانو در معماری مطرح شده است؛

- عمدتاً در غالب آثار، ایده‌های مشابه، همگامی با معماری روز دنیا و توجه به ویژگی فرهنگی، محیطی و بومی ایران قابل مشاهده است.

آنها در نهایت هم به این جمع‌بندی می‌رسند که بر اساس ارزیابی و تحلیل محتوایی آثار سه نسل معماری معاصر ایران به ویژه پس از انقلاب، ایده‌های ساختاردهنده‌ی طرح‌ها و محصولات معماری معاصر ایران، آمیزه‌ای از جریانات فکری بین‌المللی و

منطقه‌ای، فرهنگ حاکم بر دوره‌های موردنظر، طراحی و تعاملات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند. هم‌چنین با بررسی آثار معماران معاصر ایران می‌توان به این نکته اشاره کرد که فقدان مبانی نظری تعریف شده برای جریان معاصر، علاوه بر آن عدم آشنایی کامل با نظریه‌ی معماری معاصر، یکی از دلایل سرگردانی معماران، طراحان، استادان و دانش‌پژوهان معماری و از همه مهمتر مخاطبین معماری است. (شایان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷)

جابری مقدم بر این باور است که مدرنیته، عصر حاضر را در گستره‌ی گیتی، وحدتی معماوار و تناقض‌آمیز بخشیده است. وحدتی مبتنی بر تفرقه که همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر می‌افکند. (جابری مقدم، ۱۳۸۶: ۱۰۵) گیدنز شیوه‌ی تعامل با اندیشه‌های متفرق این عصر و چگونگی برگزیدن راهی مناسب از میان این مجموعه‌ی افکار را در کثرت اندیشه‌های این عصر می‌داند و معتقد است در قلمرو رویدادهایی گرفتار آمده‌ایم که نمی‌توانیم به خوبی آنها را دریابیم و در بیشتر موارد از دست ما خارج‌اند. (گیدنز، ۱۳۷۷: ۶)

حجت بیان می‌کند ورود جهان به روزگار پست‌مدرن و کمرنگ‌شدن تمامی اصول و ارزش‌های پیشین اعم از سنتی و مدرن، سرکشی حقیرترین باورها و پندارها در برابر اصیل‌ترین آنها، معماری را در برابر معضلی فلسفی قرار داده است. این تکتک که از اصلی‌ترین ویژگی‌های معماری ایران در دهه‌های اخیر است؛ راهی یگانه را برای آینده‌ی معماری نشان نمی‌دهد؛ لیکن می‌توان آن را در قالب تکتک اندیشه در جهان متفکر، فلسفه و هنر ارزیابی کرد. (حجت، ۱۳۸۲: ۶۳)

حجت و همکاران معتقدند برخی از صاحب نظران در خصوص دگرگونی‌های فرهنگی معماری ایران، سنت و نوآوری (مدرنیته) را همانند دو قطب قوی در یک جامعه می‌دانند و احوال جامعه‌ی ایران را در نوسان بین این دو قطب بر می‌شمرند. ایشان با اشاره به اصطلاح و مفهوم ترجمه‌ی نوآوری، مشکل را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اشکال در همین ترجمه بر می‌شمرند. آشفتگی و گم‌گشتگی معماری امروز ایران را می‌توان متأثر از سرگردانی و نوسان جامعه‌ی ایرانی در میان این دو قطب دانست. حجت و همکاران (همان: ۹) در خصوص تحولات چهره و لحن معماری امروز، با بیان دلایل تبدیل هویت واحد معماری ایران و هویت‌های کثیر، بیان می‌کنند:

« گروهی از معماران با تکیه بر سنت‌ها، درصدد تداوم آن‌ها هستند. در تعبیر ایشان، معماری سنتی به علت به همراه داشتن گنجینه‌ای از تجربیات نسل‌ها، اتکا بر اعتقادات و هنجارهای جامعه و انطباق با شرایط بومی و اقلیمی، توافق جمعی و ادراک مشترک را به همراه خود دارد و این امر، هویتی جمعی را سبب می‌گردد. در مقابل رویکرد سنتی، معماری معاصر برای خود الزامی به جهت رعایت هنجارها و توجه به پشتیبان‌های فرهنگی نمی‌بیند و تمایل زیادی به نوآوری دارد. معماری معاصر، خود را از اندوخته‌ی تجربیات گذشتگان بی‌نیاز می‌داند؛ برای او یافته‌های دیگران (گذشتگان و حاضرین) اصالتی ندارد.»

## مبانی نظری

تئوری یا نظریه در لغت به معنای اندیشیدن و تحقیق آمده است که از تئوری‌ی یونانی گرفته شده است. با گسترش علوم، مفهوم این واژه نیز توسعه یافته و به اندیشیدن و تحقیق درباره‌ی هر مسأله‌ای اطلاق شده است (توسلی، ۱۳۹۱: ۲۴). از دیگر سو، نظریه را می‌توان مجموعه‌ای از گفتارهایی دانست که بر مبنای قواعد منطبق با یکدیگر در ارتباط باشد و مبین بخشی از واقعیت گردد. (شکویی، ۱۳۶۸: ۸۹)

جانانان ترنر در کتاب خود با نام ساخت نظریه‌ی جامعه‌شناسی می‌گوید: نظریه‌پردازی را می‌توان وسیله‌ای دانست که به کمک آن فعالیت روشنفکرانه‌ای که به علم معروف است؛ به سه هدف اصلی خود می‌رسد:

- طبقه بندی و سازماندهی وقایع در جهان به نحوی که در یک دیدگاه قرار گیرند.
  - تبیین علم وقایع گذشته و پیش‌بینی اینکه چه وقت، کجا و چگونه در آینده اتفاق می‌افتند.
  - عرضی یک احساس از فهم اینکه چرا و چگونه وقایع باید اتفاق بیفتند. (ترنر، ۱۳۷۲: ۱۳)
- برخی نظریه را از عمل میرا دانسته و آن را صرفاً در محدوده‌ی ذهن به کار می‌برند. اینان معتقدند تئوری، بررسی کلی و وسیع مسایل از راه تفکر و تخیل است؛ بدون اینکه این بررسی الزاماً رابطه‌ای با عمل داشته باشد. (جعفر نژاد، ۱۳۶۸: ۱۲)

در مقابل، تجربه‌گرایان معتقدند که نظریه، کوششی است عملی در راه جمع‌آوری شواهد و یافته‌های تجربی و برقرار کردن همبستگی بین یافته‌ها و تبیین آنها از طرق استقرار، بدون به کار بردن هرگونه تصورات و تخیلات، توضیح اضافه بر مشاهدات تجربی، یعنی یک رابطه‌ی علت و معلولی بین پدیده‌ها. (توسلی، ۱۳۹۱: ۲۴)

اهداف ایجاد نظریه را به صورت کلی می‌توان در دو مورد خلاصه کرد:

- فراهم کردن قالبی برای معنادرین وقایع، رخدادها و پدیده‌های جامعه‌شناختی؛

- پیش‌بینی وقایع، رخدادها و پدیده‌ها در آینده‌ای نزدیک (تنهایی، ۱۳۸۹: ۱۳)

بعد از نظریه، رویکردهای معماری معاصر جلوه‌ای دیگر دارد؛ چنانچه در مورد تاریخ معماری معاصر ایران به جز معدود نوشته‌هایی که به دوره‌های خاصی یا مقطعی از معماری معاصر اشاره دارند و بیشتر پایگاه نظری و سلیقه‌ی مؤلفان را درباره‌ی جستارهایی از معماری بیان می‌کنند؛ هنوز هیچ تاریخ مدون و متکی بر روش‌های علمی تاریخ‌نگاری در دست نیست که بتواند به عنوان سند و مرجع معتبر معماری معاصر، اشتراک‌گرایش‌ها و نظریه‌های معماری معاصر را در بین معماران تبیین کند. از دلایل مشخص این امر، بی‌توجهی نسبت به شناخت بضاعت معماری معاصر در مقابل ارزش‌های والای کهن‌الگوها و میراث گذشته است (Farahi, 1998: 15).

در ادبیات مکتوب معماری معاصر به سادگی می‌توان پژوهش‌های مفصل و قابل‌اتکایی را در زمینه‌ی نقد و تحلیل آثار دوران پهلوی اول و یا دوره‌های آغازین پهلوی دوم یافت؛ اما زمانی که موضوع به دوره‌های معاصر در معماری ایران بازمی‌گردد؛ انسجام و تحلیل همه‌جانبه‌ی آثار کم‌رنگ‌تر می‌شود. از این رو ضرورت پرداختن به چنین موضوعی در حوزه‌ی تاریخ معماری معاصر ایران کاملاً آشکار است و نیازی به بحث و استدلال طولانی و مفصل درباره‌ی ضرورت آن احساس نمی‌شود (شایان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱). البته لازم به ذکر است که این گروه از مفاهیم نیز در جای خویش نیاز به تجزیه و تحلیل دارند تا نکته‌هایی در میان آنها انتخاب شوند که در پژوهش حاضر راهگشا باشند. (Mahdavynejad, 2006: 12).

از مفاهیم دیگر مطرح نظر معماری سنتی است. باید اذعان داشت که بیان تعریفی جامع و کامل برای معماری سنتی به راحتی امکان‌پذیر نیست. با بررسی مترادف‌های رایجی که مردم برای این اصطلاح ابراز می‌دارند؛ مشخص شد که معماری سنتی از چهار بال زمان و مکان (معماری محلی و معماری بومی، معماری معاصر و معماری سنتی و ...)، فرهنگ (معماری خودی، معماری اصیل، معماری با هویت) و معنا (معماری بامعنی، معماری بارزش و ...) برخوردار است. از آن‌جا که این چهار عامل متغیراند؛ بیان تعریفی که در همه‌ی وضعیت‌ها مصداق یابد؛ امکان‌پذیر نیست. اما می‌توان به برخی از صفات کلیدی این معماری اشاره کرد. این صفات کلیدی از جمع‌بندی اطلاعات حاصل از سه تأمل زیر فراهم آمده است:

- بررسی لغوی واژه‌ی سنت؛

- پیدا کردن سرچشمه‌ی سنت؛

- یافتن تاریخچه‌ی پیدایش و استفاده از این واژه در جامعه.

با بررسی لغوی واژه‌ی سنت، روشن شد که سنت مقوله‌ای فرهنگی است که با دست به دست دادن و انتقال و استمرار همراه است. بر اساس این ویژگی، صفت نسبی به چیزی اطلاق می‌شود که باری فرهنگی داشته باشد؛ بیانگر و تبلور فرهنگ جامعه باشد و آن‌الگوی شناخته‌شده و فرهنگی، در طول زمان دست به دست شده و از نسلی به نسلی دیگر رسیده و ادامه یافته باشد. با این تعریف از سنت، معماری سنتی عبارت است از آن‌گونه معماری که در جامعه وجود داشته و در طول زمان استمرار یافته است.

تمام سنت‌ها، تجلیات زمینی الگوهای آسمانی هستند که در نهایت به آن‌الگوی پایدار ازلی متصل‌اند. سنت به معنای حقایق و اصولی است که منشأ الهی دارد و به انسان و در حقیقت به همه‌ی قلمروهای کیهانی، وحی و الهام شده است. به این ترتیب، سرچشمه‌ی سنت امری قدسی است و آن چه سنتی است؛ از امر قدسی جدایی‌ناپذیر است.

برای پدیدآوردن بنایی سنتی، یعنی معماری‌ای که امر قدسی در آن حضور دارد، به معمار سنتی نیاز است؛ کسی که پیشه‌ی خود را مقدس می‌داند و جایگاه خویش را در سلسله‌ای قدسی می‌بیند که از طریق آن به معمار جهان متصل می‌شود. معمار سنتی از دل یک نظام صنفی معماری، که از دل جامعه جوشیده و به صورتی طبیعی شکل گرفته، برخاسته و روش آموزش او با نحوه‌ی آموزش معماران امروزی، که در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد؛ کاملاً متفاوت است. اما نه تنها شیوه‌ی آموزش معمار سنتی،

بلکه روش طراحی معماری او هم با طراحان امروزی تفاوت دارد. این نکته و تمایز و تفاوت بارز روش آموزش و طراحی سنتی با روش‌های حرف‌های رسمی یا دروس آموزشی و طراحی معماری که روش غالب امروزی طرح و اجرای بناهاست، از نظر برخی صاحب‌نظران چنان شاخص و برجسته است که آن را ملاک و معیاری برای تشخیص و تبیین معماری سنتی دانسته‌اند. بنابراین سه ویژگی اساسی معماری سنتی عبارت است از:

- معماری سنتی محصول روشی سنتی در طراحی و ساخت است؛  
- معماری سنتی دارای الگوهایی است که تبلور فرهنگ جامعه است؛ در طول زمان استمرار یافته و دست به دست گشته و منتقل شده است

- معماری سنتی با امری قدسی مرتبط و گونه‌ای معماری با ارزش و با معناست (صادقی پی، ۱۳۹۲: ۸)  
راهبرد تحقیق حاضر، از نوع تفسیری-تاریخی است؛ چراکه پژوهشگر تفسیری باید به تناوب به یافته‌های تحقیق صورتی روایتی بدهد و در روند انجام تحقیق، یافته‌ها را با ذهنی تحلیلی و شیوه‌ای روایتی سازمان دهد. تاریخ چگونه روایت می‌شود؟ و از چه راه‌هایی، روایت تاریخی قوی و قابل باور می‌شود؟ اعتبار و یافته‌های تاریخی با شرح رویدادهای در جریان وقوع آنها آغاز می‌شود. روایت تاریخی نباید ترتیب رویدادها را تغییر دهد، یا ارتباطات درونی منسجم آنها را به عنوان جهان یگانه‌ی تاریخی، مخدوش سازد. در این راهبرد سه رویکرد مطرح می‌شود:  
- ایده‌ی تاریخ به منزله‌ی ساختاری از جمله‌های روایتی  
- استعاره‌ی ادبی برای روایت‌های تاریخی  
- نقش تخیل و فهم در روایت تاریخی

برخی نظریه‌ها، روایت تاریخی را بنا به سرشت خود روایت، با صورت‌های ادبی مرتبط می‌دانند. کالینگوود (۱۳۹۱: ۸۴) می‌نویسد: «هر اثر موفق تاریخی، ویژگی‌هایی دارد که این ادعا را که تاریخ گونه‌ای از داستان معتبر است؛ تأیید می‌کند». او این گونه ادامه می‌دهد:

«علوم سازمان یافته، از آن چه در فرآیندهای طبیعی یا اجتماعی اتفاق می‌افتد، روایتی قابل پیگیری ارایه نمی‌کند؛ بلکه آن چه به ما ارایه می‌کنند، مدل‌های آرمانی یا ساده شده است... ولی تاریخ به مانند تمام داستان‌ها و ادبیات تخیلی، بیشتر سیاحت است تا ورود به محدوده‌ای روشن و اغلب یک رویکرد است تا نتیجه‌گیری آشکار... تمام نوشته‌های موثق تاریخی این گونه خوانده می‌شوند؛ زیرا موضوع آنها از طریق رویدادها، حوادث، شکست‌ها و جزئیات متنوع تحولات آنها جذاب می‌شود».  
وایت (1973: 131) معتقد است در مورد تاریخ دو نکته اساسی مطرح است: اول اینکه تاریخ‌نگار کسی است که طرح‌ریزی می‌کند. تاریخ‌نگار بخشی از قوه‌ی تشریحی داستان‌پردازی را از رویدادها کسب می‌کند و در مقابل، داستان‌ها را با عملی که من طرح‌ریزی نامیده‌ام؛ از رویدادها می‌سازد. تاریخ‌نگار باید تمام مدارک در دسترس را در یک روایت منسجم ترکیب کند. دوم اینکه چگونه چنین روایتی اعتبار کسب می‌کند؟ وایت گونه‌های ادبی را معیار انسجام و قوت داستان‌های تاریخی می‌داند. به اعتقاد او، گونه‌های ادبی رویدادهای زندگی را از معانی فرهنگی پذیرفته شده بهره‌مند می‌سازند. در مجموع، گالی و وایت هر دو در اساس ادبیات را به اعتبار اتکا به تجربه‌ی واقعی زندگی، در خدمت روایت تاریخی می‌دانند.

کالینگوود (همان) در مورد تصویر تاریخی معتقد است که تصور انسان، توانایی زیادی برای فهم کلی پدیده‌های گذشته دارد و میان این توانایی و قوت ابداع هنری پیوند جالبی برقرار می‌سازد. به گفته‌ی او تاریخ‌نگار همیشه در حال گزینش، ساده کردن، برنامه‌ریزی، رد کردن مطالب غیرمهم و در اختیار گرفتن چیزهایی است که از نظر او مهم است. مسوول محتوای یک تصویر، هنرمند است نه طبیعت.

## روش پژوهش

برخی از متخصصین معتقدند که پژوهش تحلیل محتوا جزو روش‌های تحقیق کیفی است. با این حال دیگران (برای نمونه خاکی) این نوع تحقیق را جزو روش‌های تحقیق کمی قرار داده‌اند. تحلیل محتوا، روشی است که ویژگی‌های گوناگون پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صادرکننده‌ی پیام، علت‌های صدور پیام و آثار پیام را، برای تجزیه و تحلیل عینی منظم پیام‌های گوناگون

بکار می‌گیرد (علوی، ۱۳۸۴: ۲۱۰). به سخن دیگر، نوعی پژوهش که برای تشریح کمی، نظام‌مند و عینی محتوای آشکار پیام است (فاخر، ۱۳۸۷: ۲۱۸). کاربرد تحلیل محتوا، در معناشناسی آماری، مباحث سیاسی و پیام‌های ارتباطی است (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۵ به نقل از عامری سیاهویی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۲).

تعریف‌هایی که از روش تحلیل محتوا وجود دارند گذشته از تنوع، بر ویژگی‌های عینیت، سیستمی بودن و عمومیت توافق دارند. (خاکی، ۱۳۸۷: ۶۹-۶۸).

تکنیک تحلیل محتوا، اجزای اصلی ارتباطات را یعنی پیام، فرستنده‌ی پیام و گیرنده‌ی پیام را تجزیه و تحلیل می‌کند (Thomas carney, 1972: 121 به نقل از صدقی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۵۵).

تحلیل محتوا، روش بکار رفته در این تحقیق است. محتوای تحلیل این پژوهش، مجموعه صحبت‌های دکتر محمدرضا اولیاء در جلسات مربوط به دو درس برداشت از بناهای تاریخی و درس آشنایی با هنرهای سنتی ایران است. از مجموع موارد در اختیار، متن ده جلسه استخراج و تحلیل گردیده که انتخاب این جلسات کاملاً برحسب اتفاق و در دسترس بودن داده‌ها، یادداشت‌برداری‌های قوی‌تر و یا دسترسی به ضبط جلسات بوده است.

در این پژوهش هم‌چنین کلمه‌های کلیدی ارایه شده در سخنرانی‌های دکتر محمدرضا اولیاء شامل معماری سنتی، حفاظت، به‌یافت، احیاء، بهسازی، استخراج و بر اساس رابطه‌ی بینامتنی مفهوم آن استخراج و ارایه می‌گردد.

### یافته‌ها

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی ارشد آزاده شهابی‌پور با عنوان "بازخوانی و بازاندیشی نظریات دکتر محمدرضا اولیاء در معماری" می‌باشد که تحت راهنمایی اساتید محترم جناب دکتر حمیدرضا بیگ‌زاده شهرکی و دکتر علی کبیری سامانی؛ هم‌چنین با مشاوره جناب مهندس علی ساکت یزدی و خانم دکتر زهره یادگاری به انجام رسیده است. اصل یافته‌ها به صورت مبسوط در رساله به قلم کشیده شده و تنها نتایج حاصل از هر درس به عنوان یافته‌ها در اینجا ذکر می‌شود.

روزهای متفاوت، تاریخ‌های متفاوت و مکان‌های متفاوت با یاری امکانات محیطی و بصری و حتی انسانی متفاوت، نتایجی را از بطن واقعه، پیش رو قرار می‌دهد که در ابتدا لازم است هریک به صورت جداگانه مروری دوباره شود تا همین تکرار حقیقت، نائل شدن پژوهش را به حقایق دیگر بازنمایی کند. با توجه به بررسی متن جلسات گزینش شده، ویژگی‌های محوری دیدگاه‌های دکتر اولیاء در خصوص معماری را می‌توان در موارد و مسایل زیر دسته‌بندی و خلاصه کرد:

### اولیاء در محضر اولیاء

فرشته گفت: «آن‌چه تو باید بر دوش بکشی ناممکن است و سنگین؛ حتی برای کوه. اما تو می‌توانی، زیرا قرار است بی‌قرار باشی. فراموش نکن. نام تو قاصدک است و هر قاصدکی یک پیامبر». (نظرآهاری، ۱۳۸۴: ۶-۷)

### -روایت اول: گفتمان شناخت

| موضوع                       | مکان                          | زمان                             |
|-----------------------------|-------------------------------|----------------------------------|
| حفاظت، بافت، ماده، علم، ... | خانه‌ی علمی/اتاق مدیریت پردیس | ۱۳۹۵/۱۱/۲۱<br>صبح تا به وقت طاقت |

روتین لایه‌ی آشنایی و شناخت در این زمان است. زمان اول و برخورد اول. بافتی که ناگزیر از اولین زنجیره است، باید اتفاق افتد تا شروع، آغاز شود. ادب، شروع آموزش است. بهانه‌ای برای تعارف که همان انجیر خشک است و در واقع همان هم، بهانه‌ای است برای شیرجه‌ی جمعی در وادی شناخت. شاگرد باید متوجه شود که برای آغاز محقق شدن نیاز دارد تا نیازمند شود. نیاز دارد تا کشف کند و نیاز دارد تا به شناخت نائل شود. بنا بر نیاز مربوطه، راه شناخت به صورت جمعی پیموده می‌شود. استاد همچون شاگردی دست در دست دیگر شاگردان و پله‌پله از سؤال و سؤال و بازهم سؤال که دوباره هریک از این سؤالات خود زایشگر



سؤالات دیگر است، راه را می‌پیماید. و رهرو در کنار راه‌بر خویش است و این ابتدای محقق شدن است. چون سراپای آدمی در این مسیر مملو از ندانستن است. محقق باید خود را بشناسد و بفهمد که نمی‌داند. و ذهن پرسشگر ابزاری برای رسیدن به این مهم است و این نیاز را خود باید ایجاد نماید. تمامی مباحث حفاظت، انواع تعریف کلمه، چه به صورت لغوی، چه به صورت بومی، چه به صورت کاربردی همه مستمسکی است تا نحوه‌ی شناخت به اندازه‌ی جغرافیای فضا و آدم‌ها سنجه و آزموده شود. در نتیجه اولین درس در اندیشه‌های اولیاء آن است که محقق باید بداند که نمی‌داند. و این رمز ورود به دنیای حقیقت است. لاریب فی.

#### -روایت دوم: گفتمان ریشه‌ها

| موضوع                                | مکان                          | زمان                             |
|--------------------------------------|-------------------------------|----------------------------------|
| منابع، تمدن و تجدد، حکمت، تأویل، ... | خانه‌ی علمی/اتاق مدیریت پردیس | ۱۳۹۵/۱۱/۲۸<br>صبح تا به وقت طاقت |

منزل بعدی در تحقیق، دریافت نشانه‌هاست که از کاویدن در منابع متعدد پیرامونی نظیر منابع مکتوب، منابع مخلوق، منابع مصنوع، منابع مخروب، منابع مدفوع و منابع مسموم حاصل می‌شود. و از اینجا به بعد قرار است در هر منزل، مکان تفاوت کند. بنابراین در ظاهری‌ترین صورت ممکن، دریافت‌های متنوعی صورت می‌گیرد. محقق باید یاد بگیرد که موشکافانه‌تر اطراف خود را به عنوان مخازن داده بکاود. منابع پیش رو نیز با توجه به گرایش و علاقه‌ی محقق از موضوعیت و محوریت برخوردار می‌شود. پایه‌ای‌ترین فعل یک معمار، اتودکردن است که خیال را در بافتی از مجهولات به تصویر می‌کشد تا به هماهنگی داده‌های بیرونی و درونی برسد. برای یک دانشجوی مطالعات معماری اتودکردن از نوع نوشتن است. و با جمله‌ی اولیایی که می‌گوید اتودکردن تمدن‌ساز است؛ رد پای هدف اولیاء در آموزش معماری رونمایی می‌شود و آن هم تحولی نو در رشته‌ی معماری و پرورش معماران تمدن‌ساز است. معمار تمدن‌ساز هم کسی است که ریشه‌دار و پر بنیه و البته حکیمانه عمل می‌کند و این حکمت را وامدار جذب اطلاعات و داده‌ها و مطالعات قوی می‌داند که در کنار آن، قوه‌ی هضمی‌ی خویش را تعالی داده و به راحتی هر الگویی را از بیرون نمی‌پذیرد تا بدین طریق ساخته‌های با عمر کوتاه مدت برجای نهد؛ بلکه معماری محصول، باید ریشه‌دار باشد تا از این طریق انقطاع شکل گرفته بین معماری دیروز و امروز کم‌کم به هم پیوند بخورد؛ و استدلال محکم بر این مدعا هم ذکر این گفته از زبان اولیاست: «استراتژی درس ما تأویل (بازگشت به گذشته) می‌باشد». نتیجه آن که در این گام محقق به صورت آگاهانه، همیشه کنجکاو و در حال دریافت نشانه‌هاست. یک معماری قرص و محکم، ریشه‌دار و تمدن‌ساز است و نتیجه‌ی هنرمندی و حکمت شخص معماری است که مطالعاتش قوی است. مطالعات قوی، ریشه‌های معماری را سترگ می‌کند.

#### -روایت سوم: گفتمان تشخیص

| موضوع  | مکان   | زمان                    |
|--|--|-------------------------|
| Review- Story & History-<br>قصه‌گویی، سیاه‌چادر، ... | خانه‌ی علمی/اتاق کنجی سمت راست رو به محوطه-سیاه‌چادر | ۱۳۹۵/۱۲/۰۵<br>روز مهندس |



تصویر (۱): ادامه‌ی کلاس در سیاه‌چادر

در این منزل، تشخیص اتفاق می‌افتد. یعنی محقق باید به این مهم برسد که تشخیص لازم‌ه‌ی تحقیق است. و تشخیص با تدبیر، با قوه‌ی فاهمه و با آینده‌نگری ارتباط دارد؛ و تشخیص، مرحله‌ای است که محقق را وامی‌دارد تا بارها و بارها از خود بپرسد و از حقیقت موضوع پرسشگری کند. اولیاء از فرصت تحقیق می‌گویند که هدیه‌ای بس مبارک است و محقق را به سوی حقیقت پیوند می‌دهد و از تشخیص اهل پیوند می‌گوید، که خودبه‌خود در مسیر او قرار خواهند گرفت. این مرحله اگر درست و بجا انجام شود، از به انحراف کشیده‌شدن محقق در مسیر تحقیق جلوگیری می‌کند. در این مرحله هشدار جدی صورت می‌گیرد که در فرآیند تحقیق، تا اتمام کار به هیچ عنوان محقق به دنبال پیشینه‌ی تحقیق نرود؛ چراکه ذهن را به سمت تحقیق‌های قبلی کانالیزه کرده و همین، شجاعت را از محقق می‌گیرد. از این رو در این منزل شعار حفاظت تحریری یعنی "تثبیت و تکثیر و توزیع" رونمایی می‌شود.



تصویر (۲): جلسه‌ی دفاع پروژه‌ی آقای عبیدآوی در مضاف

#### -روایت چهارم: گفت‌وگو با پیوند

| موضوع   | مکان   | زمان                                  |
|---|--|---------------------------------------|
| چرم، کتیبه، تفاوت متریال طبیعی و مصنوع، پیوند، فتح الباب، ... | خانه‌ی علمی / کارگاه چرم -<br>خرابه‌های ورودی خانه‌ی صفوی - اتاق شکم دریده | ۱۳۹۵/۱۲/۱۹<br>صبحگاهان تا به وقت طاقت |



تصویر (۳): کارگاه چرم

حال وقت رفتن است تا سلوک اتفاق افتد. بازدیدهای متعدد در ایستگاه‌های مختلف، بازتکرار عبارت "تجربه، فوق علم است" می‌باشد. محقق باید داده‌ها را بگیرد و ضبط کند حتی می‌تواند مجهولات را با حدسیات سامان دهد و "جای خالی" در حفاظت تحریری که همانند خالی‌های معماری است و طلب‌کاری که در پس آن اتفاق می‌افتد، رهرو را مجاب می‌کند که کیفیت این خالی‌ها را باید با واژه‌های مناسب تمیز داد. این طریق، فتح بابی در مسیر تحقیق است که برای چگونگی برخورد با کشف و ضبط اطلاعات و اتفاقات در لحظه، حاصل می‌شود.

محقق باید آگاه شود، هدف، فرآیند کار است که از ارزش بالایی برخوردار بوده و البته فرآورده مهم نیست. همچنین است که از تمام عرض‌ها، نکته‌ها و اشاره‌ها چنین دریافت می‌شود که قصه‌ی تدریس استاد این است که در ابتدای راه، شاگردان با فتح بابی آشنا شوند و وقتی آن، اتفاق افتد، هرکس می‌تواند بنا بر علاقه‌ی خود در هر زمینه‌ای، دری را دنبال کند، چه اگر گشایشی باشد که بهتر؛ و اگر نباشد، فعل رهرو-بودن ارزشمند است. هم‌چنین گاهی مواقع ممکن است، نقش تاریخی که فرد دارد این باشد

"مفتاح الألباب"؛ و این، نه آن صفت در بگشای خداوندی است؛ بلکه قابلیت انسانی است که در بازه‌ی زمانی می‌تواند درهای زیادی را شناسایی و بشناساند.

دوباره تأویل بدون تذکر؛ در بیانات مستتر است، آنجا که با مثالی از story و history نقش یک محقق را بیان می‌دارد که می‌تواند در تولید تاریخ سهیم باشد و حتی می‌تواند آن را تداوم بخشد. به شرط آن که بداند نقش او چیست و همچنین این ایفای نقش، متناسب زمانه و زمینه باشد. بنابراین نقش محقق علاوه بر کیستی محقق، به چیستی موضوع تحقیق ارتباطی تنگاتنگ پیدا می‌کند؛ همچنین اینکه موضوع مورد تحقیق چه امری را در آینده قرار است سبب شود و قرار است چه بعدی از مجهولات را بگشاید.

محقق در مقام یکی از اهل پیوند معرفی می‌شود، بدون اشاره‌ای مستقیم، و می‌تواند پروژه‌هایی که هزاران سال پیش آغاز شده را ادامه دهد و اینگونه پیوند را با گذشته برقرار نماید. آنجا که اولیاء می‌خواهد نگاه محقق به تاریخ "درنگذشته" باشد نگاهی که مستلزم ادامه‌ی فرایند تحقیق است. از این رو در این گام، محقق متوجه می‌شود که پژوهشگران می‌توانند اهل پیوند باشند و بنابراین دیگر نگاهشان نباید به تاریخ در گذشته باشد تا بتوانند با پیوند با اکنون فرآیند تحقیق را دنبال نمایند.

#### -روایت پنجم: گفتمان حقیقت

| موضوع          | مکان                      | زمان      |
|----------------|---------------------------|-----------|
| تخته پوست، ... | خانه‌ی علمی / گودال باغچه | ۱۳۹۶/۱/۲۳ |

این منزل، منزل اهلی کردن محقق است. باید او را رو در روی یک موضوع قرار داد تا حقیقت را دریابد و یا حداقل متوجه آن شود. اولیاء می‌گوید: «در رویارویی محقق با موضوع تحقیق، دو برخورد می‌تواند صورت گیرد: یکی اینکه موضوع با جزییات مطرح شود، دوم اینکه هدف، فقط دادن نشانه و آدرس باشد». بنابراین، همکاری جمعی بهترین ابزار برای این منزل است. بدون قضاوت اینکه صاحب سخن که باشد، هر فرد هر چه می‌داند در مورد موضوع ولو به غلط، بگوید و همه یادداشت برداری می‌کنند. حتی کسی که نمی‌داند، می‌تواند سؤال کند و همین که می‌داند که نمی‌داند، نصف علم را با خود دارد. و محقق زمانی ریشه‌دار پرورش می‌یابد که زگهواره تا گور بداند که نمی‌داند. هم‌چنین این نحوه‌ی برخورد، در راستای ایجاد فرصت شناخت به صورت مرحله به مرحله، ظرفیتی را ایجاد می‌کند که شاگردان از منظرهای مختلف به یک حقیقت واحد بپردازند. البته در مسیر تحقیق، محقق باید شجاعت و جسارت توأمان داشته باشد و تمام اینها در این منزل تحریک و شروع به پرداخت می‌شود. حال وقت آن است تا عبارت "نجره فوق علم است" در این منزل تکمیل شود و اولیاء بیان می‌دارد: «فوق علم را نمی‌توان به زبان علم ترجمه نمود؛ چراکه در غیر این صورت، با فروکاهش همراه است». در این گام نتیجه آن است که قدر حقیقت باید کشف شود و رسالت یک محقق کشف همان و البته این قدرشناسی است که عوام از کشف و قدرشناسی آن مستثنی هستند.

#### -روایت ششم: گفتمان توسعه

| موضوع   | مکان   | زمان     |
|---|--|----------|
| انواع تحقیق، نشانه‌شناسی، هنر اسلامی، مشارکت، ... | خانه‌ی علمی / گودال باغچه / اتاق آوا و نوا - کوچ به کاروانسرای غلوم‌سیاه | ۱۳۹۶/۲/۶ |

منزلگاه ششم، منزل استادی است. استاد شدن در یادگیری. عبارت تأکیدی در این منزل "کوچک زیباست" می‌باشد. تا حواس پنجگانه‌ی محقق دقیق تر از قبل نسبت به پاره‌اطلاعات دریافتی از محیط اطراف عمل کند. در ابتدای راه، به محقق دو روش گردآوری اطلاعات پیشنهاد می‌شود: ۱- روش گردآوری با موضوع ۲- روش گردآوری بدون موضوع. در روش اول، موضوع تحقیق مشخص است و در روش دوم، موضوعی وجود ندارد؛ ولی محقق بنا بر سرشت پرسشگری و پژوهش‌دوستی، خود می‌تواند به

صورتی حساس گونه نسبت به تمام داده‌های ارسالی از پیرامون و عدم عبور از حتی جزئی‌ترین منابع معلوماتی، از دل داده‌ها چندین و چند موضوع استخراج کند. روش اول در قیاس روش دوم به محقق دید محدود می‌دهد؛ در حالی که روش دوم با توسعه‌ی موضوعی همراه است. و این همان دید باز اولیایی است که بارها و بارها از آن سخن گفته و می‌گوید. برای وسعت بیشتر این نگاه، اولیاء پیشنهاد می‌دهد تا فرآیند تحقیق به شکل گروهی انجام شود؛ چراکه بحث‌ها، گفت و شنودها، دید بازتری و نگاه عمیق‌تری به محقق می‌دهد و باعث می‌شود لایه‌هایی از حقیقت که از زاویه‌ی نگاه او پنهان مانده، از زاویه‌ی نگاه دیگران برایش نمایان شود. از نگاه اولیاء مسیر تحقیق واجد برخی نکات قابل تأمل است:

- در مسیر تحقیق، محقق باید خطاپذیرانه عمل کند تا تصحیح اتفاق افتد.

- یک محقق برای آنکه متوجه باشد مسیر درستی را انتخاب کرده یا نه، باید توجه داشته باشد، مادامی که در حال لذت بردن است؛ یعنی راه، درست است.

- محقق می‌تواند در مسیر تحقیق به این مهم دقت داشته باشد، تا زمانی که در ارتباط اهل پیوند یا راهنمایان، هم‌افزایی صورت گیرد، با آنان ادامه دهد؛ ولی اگر هر جای مسیر این هم‌افزایی تبدیل به تخریب شد، این همان سیگنالی است برای قطع ارتباط، تا محقق از مسیر تحقیق دچار انحراف نشود.

همچنین تکلیفی برای محقق قائل شده و در لفافه بیان می‌دارد:

- اگر محقق بلد نیست برود؛ یاد بگیرد.

- اگر نمی‌شناسد، مداخله نکند؛ اگر مداخله کرد، مداخله‌ی ناروا نکند که مداخله‌ی ناروا از سر نشناختن است.

- شناختش را به دیگران عرضه کند؛ چون باعث افزایش شناخت و دانایی افراد می‌شود و این برداشتی واقعی از زکات است.

- از سر عشق، تحقیق را انجام دهد.

در این مرحله از چپستی هنر اسلامی و کیستی مخاطب هنر اسلامی هم رونمایی می‌شود. در نتیجه می‌توان بیان کرد اگر معمار دانا به علم زندگی نباشد، همه چیز از دست رفته است.

### -روایت هفتم: گفتمان تصحیح

| موضوع   | مکان                                   | زمان      |
|---|--|-----------|
| حفاظت، خانه‌ی ناصح، محقق، معماری، دغدغه‌ها، ... | خانه‌ی علمی/گودال باغچه/اتاق آوا و نوا | ۱۳۹۶/۲/۱۳ |

منزل هفتم، منزل تمرین استادشدن در شاگردی و یادگیری از نمونه‌هاست. داستان حیاط خانه‌ی ناصح نمونه‌ای است که حکایت از میانی عمیق بومی دارد. از این پژوهش می‌توان فهمید برای کنکاش و دریافت پاره‌معلومات در مورد تاریخ یک سرزمین، نمی‌توان با قواعد و قوانینی خارج از آن سرزمین به حل مسأله پرداخت. چراکه همین امر خود موجب مسأله‌ای دیگر است. باید فرهنگ و تاریخ آن ملک را آنقدر به خوانش و بررسی کشید و آنقدر در روابط آدم‌های آن سرزمین حتی همسایه‌های دیواربه-دیوارش، از خانه و بازار و جامعه و ... را سر زد تا به جواب رسید. حتی اگر جوابی هم در کار نباشد؛ حصول داده‌های فراوان در فرآیند چنین تحقیقی، بار آموزشی فراوان برای محقق دارد. هم‌چنین این فرآیند می‌تواند باعث پیوند تاریخ ایران گذشته به معاصر و یا حداقل باعث یافتن فرمول‌های گذشته گردد. تزیق و وام‌گیری از سرزمینی دیگر، عبث‌ترین راه حل ممکن است. محقق هم‌چنین باید زمینه‌شناس خوبی هم باشد و بتواند با پیوند بین خودشناسی و زمینه‌شناسی بستری را برای هضم قوی معلومات تاریخی فراهم سازد. چراکه تاریخ هر ملتی را باید در بطن فرهنگ و مردم آن و نه با آداب و فرهنگ بیگانه جستجو کرد. نکاتی که در این زمینه مطرح است؛ از این قرار است:

- کار پروژه‌ها در هرحدی که شروع شود و جلو برود؛ دستور کار از دلش بیرون می‌آید. در واقع وقتی محقق وارد کاری شد؛ این دفعه می‌فهمد چه کار باید انجام دهد.

- با هم‌نشینی محققان و صحبت در مورد پروژه‌هایشان، فصل مشترک کارها حاصل می‌شود؛ چراکه هر محقق می‌تواند برای هرکدام از محققان دیگر نمونه‌ای از "اهل پیوند" باشد و از این طریق هم‌افزایی در ارتباطات شکل گیرد.

- پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از تفرق ذهنی، یک موضوع خاص از جنبه‌های مختلف و در دروس مختلف، بررسی شود تا کشف حقیقت از لایه‌های دیگر سهل و ممکن شود. و این روش خوبی برای نگاه از وجوه مختلف به یک پدیده‌ی واحد است.

- اگر محقق، یک موضوع را از زوایای مختلف و با اساتید مختلف پژوهش می‌کند، مهم است که استاد مربوطه نگاهی هم‌سو و هم‌جهت با موضوع تحقیق داشته باشد تا این ارتباطات دچار تخریب نگردد.

- برای رسیدن به نسبت تحقیق با محقق و سنجه کردن آن، در ابتدا بهتر است به کیستی محقق و چپستی تحقیق پرداخت که بهترین روش برای کیستی، آرایه‌ی رزومه از جانب محقق است. در ادامه، بحث منابع تحقیق است که محقق با چه منابعی ممکن است سر و کار پیدا کند. و این سرشت محقق را بیشتر برجسته می‌کند. یعنی ترتیبی به این شکل حاصل می‌شود: ۱- کیستی ۲- چپستی ۳- من محقق چه کار می‌خواهم انجام دهم؟ ۴- با این تحقیق چه مسأله‌ای قرار است مرتفع شود که همین مرحله، محقق را به منابع موجود و در دسترس نایل می‌کند.

نکته‌ی دیگری که وجود دارد، بحث سهیم شدن در تولید تاریخ و نقش برجسته‌ی دانشجوی مطالعات است. اولیاء با اشاره به ظرف و مظلوف، دانشگاه را در حال حاضر ظرف مناسبی برای دانش‌جو نمی‌داند؛ چراکه سیستم آموزشی کشور از نظر او استعماری است. یعنی نیت دانش‌جو را در بدو امر تحقیق، بر پایه‌ی مدرک‌محوری قرار داده و از قره‌الی‌الله بودن پژوهش جلوگیری می‌کند. و این تنها از ذات تخریب‌گری برمی‌آید که صورت آبادانی دارد. اولیاء در تشریح این گفته نگرانی خود را برای سرگذشت و سرنوشت معماری بیان داشته و با اشاره به این نکته که آدم‌ها می‌توانند در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نقش‌های متفاوتی ایفا کنند؛ نقش خود را در این برهه‌ی تاریخی، تلاش برای عوض کردن ظرف می‌داند به این امید که قواعد استعماری دانشگاه هم در پی آن عوض شود. اما این تلاش به دلیل کپی‌برداری سیستم آموزشی کشور از غرب، بی‌نتیجه می‌ماند.

او در یک گفت و شنود معلم و شاگردی، این حق را برای محقق قائل می‌شود که شفاف و شجاعانه از دغدغه‌هایش بگوید؛ چراکه زندگی را حل مسأله می‌داند. در این قسمت نیز نکته‌هایی مهم به شرح زیر در باب تحقیق و محقق بیان می‌شود:

- راه‌ها و روش‌های رسیدن به حقیقت یکی نیست؛ بنابراین باید همواره آماده‌ی پاسخگویی و یا حداقل شنیدن بود.

- محقق باید واقف باشد که چگونه با تعامل، گفتن، شنیدن، یادگرفتن همواره خود را تصحیح و تکمیل کند.

- تا زمانی که ما در حال ترمیم هستیم، دغدغه‌ی مشترک داریم، حتی اگر این دغدغه شخصی باشد؛ چراکه دغدغه‌ی شاگرد، دغدغه‌ی خود استاد هم هست.

در پایان بند تحقیق اعلام می‌دارد: محقق دو کار مهم دارد: ۱- بشناسد و ۲- بشناساند و این دو کار مهم باعث می‌شود، پیوند تاریخی صورت بگیرد. یعنی در این برهه تاریخی اگر محقق چینی عمل کند، او به اندازه‌ی سهم خود در حال ترمیم شکاف ایجاد شده بین معماری گذشته و معاصر است و به همین اندازه در تولید تاریخ سهیم است. نتیجه آنکه اولیاء معتقد است: وقتی شما مولد یک فکر باشید، بیش از هرکسی عیب کارتان را می‌فهمید. چون بجز تولیدکننده که می‌داند عیب کارش کجاست؛ یک مصرف‌کننده نمی‌تواند آن را تشخیص دهد. افرادی که مولد فکر هستند، خودشان هم می‌دانند چه کارش کنند. مرتب هم پوست می‌اندازند و دایم آن را نو می‌کنند. بنابراین تا زمانی که اصول معماری از خارج سرزمینی تزریق شود، نمی‌توان حال خوبی را برای تکمیل و تصحیح معماری آن سرزمین باعث شد. همچنین نگاه او به نظریه پردازی نیز چنین است. چون یک نظریه ممکن است محاسنی یا معایبی داشته باشد؛ ولی خاستگاه، خاستگاه دیگری است.

#### -روایت هشتم: گفتمان حفاظت

| موضوع                              | مکان                                 | زمان      |
|------------------------------------|--------------------------------------|-----------|
| روش کشکولی، درد سیستمی، حفاظت، ... | خانه‌ی علمی/ اتاق یک دری رو به محوطه | ۱۳۹۶/۷/۱۹ |

تحقیق، تعمق و تحلیل عبارت "تو خونه بند نمشه" قاصدی برای آموختن می‌شود. مباحث مطرح‌شده در این گام شامل: روش کشکولی (گردآوری نامنظم اطلاعات)، درد سیستمی، طرح توسعه‌ی "پسکی" دانشگاه، حفاظت از هنر است که در گرو به کاربردن و عملی کردن آن است.

در این گام به این موضوع پرداخته می‌شود که اگر محقق با این نوع نگاه به تاریخ و معلومات تاریخی که آن را مسبوق به گذشته نداند، به میدان بیاید و بپذیرد که می‌توان با معلومات تاریخی، قابلیت‌ها را شناخت و آن را شناساند و آنچه در دوران سنت اتفاق افتاده است را به جریان بباندازد، این یک امداد غیبی در جهت "تولید تاریخی" است.

امداد غیبی این جلسه که همانا از راه رسیدن استاد صادقان کاشی کار است، سمت و سوی سخن را به هنر کاشی کاری می‌کشاند. اولیاء متذکر می‌شود برای ماندگاری و ادامه پیداکردن هنرهای سنتی مثلاً کاشی معرق، این وظیفه‌ی معمار است که فضا را برای تولید آن ایجاد کند. و این اتفاق باید به صورت گروهی شکل گیرد و این حرکت بازتولید هنر است.

در تداوم هنرهای سنتی، چون محقق بیشترین تعامل و برخورد را با هنرمندان این رشته‌ها که معمولاً افراد کهنه‌سالی هستند، دارد؛ بنابراین با پاره‌معلوماتی در قالب قصه و خاطره زیاد روبه‌رو می‌شود که تنها راه ماندگاری و حفاظت از آن را نقل و ثبت کردن آن می‌داند. همچنین اولیاء بیان می‌دارد محقق اگر چیزی را که یاد می‌گیرد؛ بلافاصله آن را جایی به کار گیرد، به نوعی از آن دانش حفاظت کرده است.

این پیوند بین محقق و سوژه‌های انسانی برای تحقیق که تعامل و گفت و شنودهایی را در پی دارد، و حاوی پاره‌معلومات وسیعی است، همان برقراری پیوند میان کارهای تحقیقاتی و محققان است.

در این مرحله اشاره‌ای به روش‌شناسی تحقیق می‌شود که محقق می‌تواند فهم خود را در مورد هر موضوع به بیان گرافیکی (یادداشت ترسیمی) درآورد تا بدین طریق آن را ماندگار کند؛ چراکه بیان گرافیکی سنجه‌ای است برای اینکه محقق متوجه شود به چه اندازه فهم درست و دقیقی داشته است تا تصحیح و تکمیل صورت بگیرد. همچنین مفهوم، با استناد بیان تصویری راحت‌تر و سریع‌تر منتقل می‌شود.

نوع دیگر روش‌شناسی تحقیق، موضوعی را به شور گذاشتن است. در این خصوص بیان می‌شود که: «یعنی محقق در مورد مطلبی می‌گوید، دیگران هم می‌گویند و در این زمینه، نقد، تکذیب، تحقیق، ترغیب و ... در آن واحد، در آن لحظه، می‌تواند اتفاق افتد. که در همان لحظه تصحیح و تکمیل هم صورت می‌گیرد. بنابراین در این گفتار یا نوشتار، توسعه اتفاق می‌افتد و هر کدام از محققین در این توسعه یافتن بحث، سهم دارند». اما مفهوم توسعه از دیدگاه اولیاء به دو صورت است: ۱- از حالا به بعد، ۲- از امروز به گذشته؛ البته در این مورد می‌توان با برگشت به عقب، عیب را جستجو کرد، آن را یافت و تصحیح و تکمیل کرد که این نوع توسعه، سهم عظیمی در ترمیم و پیوند تاریخی برقرار می‌کند.

و اما روش تحقیق اولیایی بیشتر از نوع روش کسکولی است و او در نظر دارد محقق بیشتر از روش گردآوری اطلاعات بدون موضوع بهره گیرد؛ چراکه محقق مادام محقق می‌ماند و حساسیت او نسبت به پیرامون تعالی می‌یابد. بنابراین بار دیگر روند تحقیق در پیوند با محقق در کلی‌ترین صورت ممکن مرحله‌بندی می‌شود:

۱- تصحیح نیت محقق: محقق تحقیق را به قصد قربت انجام می‌دهد؛ قربه‌الی‌الله.

۲- افتادن در مسیر تحقیق: محقق برای اینکه بفهمد آیا مسیر درست است یا نه، چند راه دارد: ۱- خدا دستش را می‌گیرد؛ اَلذِّیْنِ جَاهِدُوا فِیْهَا (اگر اهل حقیقت باشید) ۲- دریافت نشانه‌ها در طول مسیر که آن هم از جانب خداست.

موضوع دیگری که در این گام به آن پرداخته می‌شود: تئوری "کلاس بی کلاس" اولیاء است. این تئوری منتج از ۱۱ بعدی بودن فهم، فرایند فهم و فرایند شناخت است؛ چون از نظر اولیاء زمان، مکان و هزار مورد دیگر در آن دخیل است. نتیجه آن که اگر فرآیند شناخت به درستی با همه‌ی لوازم آن صورت پذیرد؛ این علم خود به خود بازتولید خواهد شد.

#### -روایت نهم: گفتمان تداوم

| موضوع                                  | مکان   | زمان      |
|--|--|-----------|
| خاطرات و تجربیات استاد حسن صادقان، ... | مسجد راستین-کوچه باغهای آبشاهی-منزل استاد حسن صادقان | ۱۳۹۶/۷/۲۱ |



#### تصویر (۴): استاد حسن صادقیان در حال نشان دادن انواع وجب

در این منزل، طریقه‌ی برخورد و رفتار و البته داری کردن یک محقق با یکی از اهالی هنرمند قدیمی یزدی تجربه می‌شود. اینک چگونه بتوان به دریافت و ضبط اطلاعات از آنان نائل شد؛ چراکه در اینجا محقق با تجربه‌هایی روبرو است که به زبان اهل تجربه جاری می‌شود. و نکته این است که آنان یا از تجربه‌ی خود و یا از تجربه‌ی دیگران می‌گویند. یعنی یا زبان خودند یا زبان دیگری، هم نقل می‌کنند و هم ناقل دیده‌ها و شنیده‌هایند.

اما غالب قالبی که اهل تجربه برای بازگویی تجربیات برمی‌گزینند، اول قالب خاطره و دوم قالب قصه دارد. این خاطرات، بنا به شرایط و هوش به جامانده برای استادکاران، بیشتر صورت منقطع دارد و گاهی با فراموشی همراه است. بنابراین محقق باید به اندازه‌ی کافی ذکاوت داشته باشد تا موارد را در گفته‌ها دنبال کرده و به شیوه‌ای دوستانه و مهربانانه استادکار را در زنجیره‌ی سخن همراهی نماید و از لابه‌لای صحبت‌ها، نکات را به شیوه‌ای رندانه برجسته کند تا استادکار هم دقیق‌تر پیگیر موضوع باشد. بنابراین در این روند، الگوی اخلاقی و الگوی ابزاری، برای دریافت، ثبت و نگهداری اطلاعات، پرکاربردترین است. درالگوی اخلاقی:

- محقق باید بداند برای ورود به حریم استادکاران، برای شروع مرآده حتماً باید تحفه‌ای با خود داشته باشد. آنان از نسل قدیم و هموارشده با فرهنگ قدیمند. فرهنگ در گذشته، برای آنان "در-نگذشته" است.

- حتی‌المقدور قرار در گاهی باشد که افراد خانواده‌ی استادکار، کمتر حضور داشته باشند؛ چون بحث به حاشیه می‌رود و پراکندگی دارد. هم‌چنین هرچه محقق خلوت‌تر با استادکار ملاقات داشته باشد، معلومات بیشتر و دست‌اول‌تری را می‌تواند کسب کند.

- معمولاً استادکاران ترجیح می‌دهند قرار را سر یکی از پروژه‌های کاری خود بگذارند؛ بنابراین این از رندی محقق است که به گونه‌ای رفتار نماید که کنجکاو و کارزد جلوه نکند.

- اگر لابه‌لای صحبت‌ها محقق بخواهد از احوال استادکار دیگری جويا شود، حتماً مدنظر قرار دهد که آیا رابطه‌ی حسنه بین دو استاد برقرار است یا نه؛ چراکه در صورت اختلاف، استادکار مربوطه دچار مقاومت ذهنی شده و از ادامه‌ی روند صحبت‌ها به شیوه‌ای طفره رفته و قرار را یا به وقت دیگر موکول کرده یا به بهانه‌ای از دادن معلومات انصراف می‌دهد.

در الگوهای ابزاری تحقیق، می‌توان از رکورد یا هر وسیله‌ای برای ضبط صدا، دوربین عکاسی و فیلم‌برداری، دفتر ترسیمی و دفترچه‌ی یادداشت و البته مداد طراحی برای ترسیم کروکی‌ها بهره برد. گاهی استادکار ترجیح می‌دهد بجای گفت‌وگو طرح را پیاده کند یا در حد چند خط کشیدنی کوتاه، توضیحی سراسری بدهد؛ که می‌توان رمزگشایی آن را از استادکار دیگری جويا شد؛ البته که بعضی از استادکاران شیفته‌ی رمزگشایی‌اند و به همان اندازه خودشان ساده و روان از تجربه‌ها می‌گویند.

اولیاء می‌گویند اگر تمام اتفاقات در همان مکان دیدار، یادداشت‌برداری شود، از صحت و دقت بالاتری برخوردار است. زیرا مرور زمان، محقق را دچار فراموشی کرده و ممکن است معلومات مهم و بسیاری از دست برود. اهمیت تجربیات هم به این دلیل است که می‌تواند صورت حفاظتی و یا کاتالیزور (تسریع‌کننده) را در فرآیند تحقیق و نگارش داشته باشد.

همچنین محقق باید متوجه این نکته باشد که در این مسیر با "می‌گویندهای" زیادی مواجه می‌شود که اولیاء آن را کشف رمز می‌کند: «می‌گویند» یعنی چگونه داریم با یک تجربه ارتباط برقرار می‌کنیم.»



تصویر (۵): استاد حسن صادقیان و پسران، استاد محمدجواد صادقیان (اولین نفر سمت راست)

در ادامه اولیاء تأکید می‌کند هر کسی هر قابلیت دارد، باید آن را ارایه کند تا جامعه از آن بهره‌گیرد و محقق با ارایه مقاله این قابلیت را در معرض داوری قرار می‌دهد و حتی این روش را عملکرد پیامبران دانسته و همین را پیوند می‌دهد به امر مرمت و می‌گوید: «در کار مرمت به آدم‌هایی نیاز است که در مواجهه با بنای تاریخی فنی باشند، فهیم باشند و درست باشند. یعنی اگر می‌گوییم که پیمانکاری، پدر بنا را درمی‌آورد و درآورده است؛ باید آدم‌های درستش را هم معرفی کنیم؛ چراکه دلسوزی، عنصر اصلی مرمت است. کسانی که کار مرمت انجام می‌دهند یا در بحث احیای بناهای تاریخی فعالیت بهینه دارند، در واقع از محصول فکر و عمل یک بزرگواری که طراح و مجری ساخت آن بنا بوده است؛ حفاظت می‌کنند». و این یعنی وقتی قابلیت ارایه می‌شود برای بهره‌بردن جامعه، همان جامعه هم از آن حفاظت می‌کند.

اینجاست که می‌توان نتیجه گرفت یکی از دلایل وقفیت اولیاء در مسیر آموزش، شناساندن قابلیت فرد دانش‌جویان به خودشان است تا هم خودشان و هم جامعه‌ای از آنان بهره‌گیرند و هم بدین‌گونه از شأن خویش محافظت کنند. او اینچنین سهم خود را در تولید تاریخ با تربیت محققینی ایفا می‌کند که به دنبال حقیقت و به نیت قربت در پیوند گذشته با معاصر و آیندگان هستند. به عبارتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که به قول ضرب المثل فارسی سرکه گرفتن اسلوب (اصول) می‌خواهد.

#### -روایت دهم: گفتمان اهلیت

| زمان      | مکان  | موضوع  |
|-----------|---|--|
| ۱۳۹۶/۸/۱۶ | مسجد جامع یزد-درگاه ورودی کتابخانه وزیری-<br>فالوده‌فروشی خیابان مسجدجامع | استاد شایق، صحافی، مرمت کاغذ، اصول شاگردی-<br>کردن، حفاظت، ... |



تصویر (۶): دکتر محمدرضا اولیاء در کنار استاد شایق



در این منزل نصیحت‌هایی از سر دلسوزی برای تداوم هنر و هنرمند جاری می‌شود که شامل:

- شاگرد باید معرفت داشته باشد و باید حرمت را بفهمد یعنی در پیش‌گاه استاد، حرمت علم و دانایی را حفظ کرده و می‌داند می‌داند راه نیندازد. آموزش برای کسی است که نمی‌داند، آنکه می‌داند، باید آموزش دهد. در مکتب استاد، شاگردی کردن لازم است و اولیاء می‌گویند: «من استاد شاگردی کردم».

- اگر هنرمند می‌خواهد کارش ماندگار شود و در اصطلاح با مخاطب حرف بزند؛ باید اخلاق داشته باشد.

- اگر هرکسی عاشق کارش باشد (چه هنرمند، چه شاگرد، چه محقق)، پرت وقت ندارد.

اولیاء میراث فرهنگی را امانتی می‌داند که نباید در آن خیانت صورت گیرد. چون از نظر او حتی خود افرادی که در گذشته با محصول دست و هنرشان بوجودآورنده‌ی همین فرهنگ امروزی هستند که به ارث رسیده، به خود اجازه‌ی مداخله در آن را نمی‌دادند که این مسأله‌ی مهمی است که اگر پیاده بشود، می‌توان از آن بسیار آموخت. بنابراین باید صلاحیت کسی که در آن مداخله بکند یا نه، مشخص شود. و اینجاست که اهلیت موضوعیت پیدا می‌کند.

و اما نکته‌های جاری در این منزل عبارتند از:

- در هم‌صحبتی با یک فوق علم، محقق نایل می‌شود به انبوه؛ فن، هنر، معرفت، افتادگی، تواضع، اصول.

- عبارت "تجربه، فوق علم است"، دستورالعمل حفاظت از دانش تجربی حاصل می‌شود که از این قرار است:

۱- صحبت کردن در مورد آن تجربه

۲- به عمل درآوردن آن تجربه

و اما برای مداومت این حفاظت، باید این دانش، لقلقه‌ی زبان شود.

- علاوه بر هنر اسلامی، مخاطب هنر اسلامی و فرهنگ اسلامی که در منزل‌های پیشین به آن پرداخته شد؛ این بار به دانش اسلامی بدون اشاره‌ی مستقیم نظر می‌شود. با نگاه به حدیث نبوی که می‌فرماید: «از دانش بی‌فایده به تو پناه می‌برم»، می‌توان منزلت دانش اسلامی را درک کرد و این سنگ محکی است تا محقق متوجه باشد در چه سیستمی و یا برای چه سیستمی در حال تحقیق است. چون یک محقق واقعی، پیوسته در راه حقیقت و در پی تحقیق است و اینجا کذب، و پذیرش کذب برای او جایگاهی ندارد. بنابراین در سیستمی که هنرمندی چون استاد شایق صحاف را با این بار تجربه، بازنشسته می‌کند و او را به فراموشی می‌سپرد، می‌توان نتیجه گرفت که این نحوه‌ی برخورد، تنها از یک سیستم غیراسلامی قابل منتج می‌شود. و اما اینجا نقش جامعه مهم می‌نماید و اولیاء در پی آن است تا اگر سیستمی با هنرمندی چنین برخورد دارد، حداقل به جامعه، رفتار اسلامی را بشناساند و این جامعه می‌تواند از پرورش شاگردان و محققین نطفه‌گذاری شود.

و اما با اشاره به طرح توسعه‌ی بیمارستان شهید رهنمون آنچه حاصل می‌شود این است که جامعه‌ی هوشمند، جامعه‌ای است که نیاز را در جهت پیشگیری مرتفع می‌سازد نه درمان و مردم جامعه به مرور از حیث پیشگیری، بیشتر طلبکاری می‌کنند. طلبکاری از جهت پیشگیری، خود به خود رفتاری مختص به خود را به سیستم حاکم تزریق کرده و بدین‌گونه جامعه و سیستم حاکم همچون زنجیری، لازم و ملزومانه عمل کرده و با تعمیم این مطلب به دامنه‌ی معماری، اگر معمار صادق باشد، علیم باشد حکیم باشد، معماری او نیز این خصوصیات را دارد و معماری که درست باشد، حکومت هم درست است. و در اینجا اولیاء نقش یک استاد معمار را برجسته کرده و تشریح می‌کند وقتی یک استاد معماری می‌بیند در حق معماری ظلم شده، چگونه می‌تواند خاموش بماند؟!

او معتقد است هر دانشجو به سهم خود در توسعه‌ی دانشگاه سهیم است و دانشگاه باید قدرشناس هر دانشجو باشد و کمترین حالت قدرشناسی دانشگاه این است که در برابر تحقیق صورت‌گرفته از طرف دانشجویان، منفعل عمل نکرده و مکانی را در حد بضاعت دانشگاه برای گردآوری محصولات علمی و تحقیقی اختصاص دهد.

اولیاء در دنباله‌ی عرض خود، به دو نوع عالم دانشگاهی متذکر می‌شود که یکی از نوع اهل تولید است و دیگری از نوع اهل تزریق. عالم اهل تولید در پیوند محکم با آفرینش است و مسیر حقیقت جولانگاه اوست و آنان افرادی هستند که سرشان درد می‌کند برای یادگرفتن، و اما عالم تزریقی را باید از اعتیاد واگوبه کردن رهایی داد و گرنه خدا می‌داند چه بر سر علم و عالم می‌آید.

و اما نکته‌ی آخر اولیایی در مورد زاویه‌ی دیگر نگاه است به توسعه‌ی دانشگاه، زمانی که تمام این پیام‌ها، نکته‌ها، ماجراها، قصه‌ها، خاطرات و اتفاقات تکثیر شود؛ همانا توسعه از وجه دیگر اتفاق افتاده است. و در این منزل قاصدک اولیایی رونمایی می‌شود آنجا که اولیاء می‌گویند: «در حقیقت این قاصدک در تداوم رسالت رسولان است. چون دارد پیام را از یک منبعی می‌آورد! نبوت ختم شده؛ ولی انگار برای آدم‌ها رسالت ختم نشده است». و در مکتب اولیایی هر انسان، رسولی است صاحب رسالت که بسته به تصمیم خویش که بخواهد در مسیر حقیقت گام بردارد یا نه، می‌تواند انتخاب کند مقصد نهایی به خدا باشد یا غیر خدا. نتیجتاً خشونت علیه حقیقت یعنی اینکه متدولوژی سرزمینی از جای دیگر وارد شود، روش تحقیقش از جای دیگر وارد شود و حکومت آن سرزمین متوجه نباشد.



تصویر (۷) و (۸): جذب دانش‌آموزان دبستان به صحبت‌های اساتید (روبارویی نسل تشنه و نسل سیراب)

### ما همه آفتابگردانیم

آفتابگردان به من گفت: «آفتابگردان راهش را بلد است و کارش را می‌داند. او جز دوست داشتن آفتاب و فهمیدن خورشید کاری ندارد. آفتابگردان با آفتاب آمیخته است و انسان با خدا. بدون آفتاب، آفتابگردان می‌میرد؛ بدون خدا، انسان. روزی که آفتابگردان به آفتاب بپیوندد، دیگر آفتابگردانی نخواهد ماند و روزی که تو به خدا برسی، دیگر «تویی» نمی‌ماند. و گفت من فاصله‌هایم را با نور پر می‌کنم، تو فاصله‌ها را چگونه پر می‌کنی؟». (نظرآهاری، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۶)

### بحث و نتیجه‌گیری

نوع نگاه اولیا به معماری، رویکردی منحصر به فرد است. او در عین حال که معماری را با طبیعت هم تنیده می‌بیند و فهم آن را سهل و سنگین می‌داند؛ ترکیب نهایی بنا را، حاصل تفکر جمعی و رعایت بسیاری از جزئیات پیش‌افتاده می‌داند که در آفرینش آن نقش دارند.

اینک با این رویکرد، پرسش‌های اصلی پژوهش مبتنی بر تحلیل بینامتنی از سلسله جلسات ایشان (برداشت از بناهای تاریخی و درس‌آشنایی با هنرهای سنتی ایران) مورد بحث قرار می‌گیرد. مفاهیم و مصادیق معماری که در مباحث دکتر اولیاء مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ در چند مفهوم اساسی شامل حفاظت، شناخت بنا، معماری، آموزش، علم خلاصه می‌گردد.

از نگاه ایشان، زندگی مدرن در پی آرامش است و این آرامش در پایداری تجلی می‌یابد؛ از این رو معماری می‌باید به دنبال پایداری و آرامش باشد و ضروری است بنا با زمینه چه به لحاظ ساختار، چه به لحاظ شکلی و چه به لحاظ نوع و کیفیت مصالح ارتباط برقرار کند. ایشان معماری محکم را معماری می‌دانند که با حکمت یا حکم که از ویژگی‌های معماری قدیمی یا سنتی است؛ درآمیزد و این امر مستلزم داشتن پشتوانه‌ای قوی از مطالعات مستحکم و در بردارنده‌ی جمیع جهات در طراحی فضای سکونت (به معنای محل آرامش) باشد.

در رویکرد ایشان، داشتن نگاه بازاری به معماری، باعث کم‌توجهی به ماهیت اشیاء شده و به دلیل آن که تمام دغدغه‌اش، سرعت بالا در تولید است؛ نمی‌تواند ارزش افزوده‌ای برای این حوزه ایجاد نماید. هرچند بسط الزامات زندگی مدرن، تولید و تفکر بازاری را با ورود رویکردهای نوین معماری که عموماً وارداتی است؛ ضروری می‌سازد؛ با این حال از دیدگاه اولیاء در صورتی که بین فرهنگ و معماری هضمی صورت نگیرد؛ انسان‌ها خانه دارند اما نه احساس امنیت می‌کنند و نه احساس آرامش دارند. اولیاء

مدرن‌نیسیم را ضد تاریخ معرفی کرده و آن را نوعی جهان‌نگری می‌داند که با گذشته هیچ نسبتی ندارد. از این‌رو تدریج در معماری یک اصل برای پذیرش تغییر، بدون برهم خوردن آرامش است.

در نگاه اولیاء، منابع مسموم یا به عبارتی همان‌هایی که دیده یا شنیده شده یا تجربه‌هایی که کسب و با فرهنگ هر منطقه عجین و همراه شده است؛ در معماری معاصر نیز به عنوان یک اصل مورد استفاده قرار گیرد. به بیانی دیگر در رشته‌ی معماری باید به دنبال این بود که چه رگه‌هایی از تمدن دیروز را می‌توان شناخت که تمدن دیروز را با امروز و فرداها پیوند دهد. از آن‌جا که در معماری، فضا می‌باید به گونه‌ای طراحی شود که انسان با تمام وجود، ایرانی بودنش را درک کند و بدین لحاظ، انسان از دل‌تنگی مستتر در اعماق وجود خویش پیشگیری نماید؛ می‌باید بین فرهنگ و معماری، تلفیق صورت پذیرفته و هر آن‌چه از غرب برآمده را در انطباق با الگوهای تاریخی در حوزه‌ی معماری داخلی به عنوان معیاری از معماری پایدار قبول کرد.

راه‌کار پیشنهادی که دکتر اولیاء پیرامون نحوه‌ی تلفیق دیدگاه‌ها و تجربیات معماری سنتی ارائه می‌دهد؛ این است که در معماری معاصر باید ساخت (ساختار) و قصه مورد توجه قرار گیرد. بدین لحاظ باید در معماری پس از دیدن، قصه‌ی آن هم نوشته شود؛ چراکه قصه‌ها اشاره به نگاه در پس آن دارد و در واقع شیوه‌ای برای دعوت افراد به رفتن است. دومین راه‌کار اولیاء در این خصوص تأکید بر بازدید از فضاهای معماری شاخص به صورت گروهی است؛ چراکه بازدید گروهی باعث بحث گروهی شده و موضوع متأخر سبب می‌شود تا لایه‌های دیگری از کار نمایان شده و یافته‌ها چندین برابر شده و از این جهت درک نقاط پیوند اشتراک معماری معاصر و گذشته آسان‌تر شود. در نهایت ایشان با بیان اینکه در معماری دو وظیفه‌ی اساسی شناختن و شناساندن مطرح است؛ بر این باور است که برای حفظ معماری سنتی باید فضای آن را تولید کرد؛ یعنی شرایطی را فراهم آورد که هنرهای سنتی با این معماری یعنی معماری سنتی خواهان پیدا کند.

راه‌کار سوم برای تلفیق دیدگاه‌های معماری سنتی و معاصر با تأکید بر این که یکی از لوازم نقد، علم و یکی عدل است بر داشتن دیدهای متفاوت راجع به یک موضوع پافشاری نموده و کلیت‌گرایی را بر خلاف جزئی‌نگری که بر دانش امروز حاکم است به عنوان اصل شناخت در معماری مطرح می‌نمایند. شناختی که نه سطحی و نه حفاظتی بلکه  $\Pi$  بعدی بوده و زمان و مکان و هزاران مورد دیگر در آن دخیل است.

معماری از منظر اولیاء به مفهوم هنر است و از آنجا که ذات هنر تکرارناپذیری است؛ در معماری نه الگوی واحد بلکه الگوهای واحدی وجود دارد که در اصول مشترکند. از دیدگاه او معماری اول در بافته و سپس در ساخته تجلی می‌یابد. به نحوی که فرش و زیرانداز را می‌توان به عنوان یک نقشه‌ی راه در معماری تلقی کرد. اصول مورد تأکید در معماری اولیاء، پذیرش تدریجی برای پذیرش تغییر بدون برهم خوردن آرامش؛ توجه به فضاهای تعدیل‌کننده، بهره‌گیری از ابزار فکر و اندیشه برای عبور از مسایل و محدودیت‌ها، توجه معمار به اینکه برای چه کسی طراحی می‌کند، توجه به نور، شناسایی پیمانانه‌ها، شناخت کارکرد مصالح بوم‌آورد، ترسیم اتفاقات به زبان گرافیک، در نظر گرفتن هندسه‌ی هماهنگ با مصالح طبیعی، دانابودن به علم زندگی، هماهنگی با فطرت انسان می‌باشد.

آنچه که در معماری می‌توان به عنوان مابه‌ازای خارجی و مصداق عینی رعایت اصول از آن نام برد، مجموعه بناهای مستحکمی است که دوام و پایداری آن نشانگر همسویی با طبیعت منطقه است. دقیقاً به همین دلیل هم ساخت بنای فاخر بجای بناهای تاریخی قبلی، نوعی فریب و تبدیل به افسد است.

نکته‌ی آخر اینکه بهترین ویژگی معماری سنتی از منظر او، تناسب است و برای اثبات این ادعا، بر این باور است که حتی فضای بناهای احدائی، قواره‌ی فرش دستی بوده است. حفاظت به عنوان یک موضوع پیچیده و در عین حال بسیار ساده و کاربردی نیز در معماری مدنظر اولیاء از نکات قابل توجه است. بر این پایه، حفاظت می‌بایست کارکرد و محتوای پیشین موضوع مورد حفاظت را نگهدارد و برای درک این امر بهره‌گیری از شیوه تعاطی افکار برای بسط آن الزامی است. برای حفظ و تداوم دیدگاه‌ها و تجربیات به دست آمده در معماری سنتی در حیات انسان کنونی که خود را معاصر می‌داند؛ کشف رگه‌های پیوند بین تمدن دیروز با امروز و حتی فرداها نخستین شرط است. به عبارتی فضای معماری سنتی باید تولید شود. هم‌زمان نیز باید به جای نگاه به پروژه به عنوان درگذشته، باید نگاه در - نگذشته را ساری و جاری کرد به نحوی که فرآیند متوقف نشود. از سوی دیگر از تمرکز و تیپ‌کردن ساختمان‌های امروزی باید پرهیز کرد و با توجه به فرهنگ حاکم بر هر منطقه و درک طبیعت آن اقدام کرد.

دکتر اولیاء به لحاظ فنی بر این باور است که ارزش و اعتبار بناهای تاریخی به صیانت از آن به همان شکل اولیه بستگی دارد. برای نمونه، ایشان چنین بیان می‌کند: «ارزش و اعتبار مسجد جامع فهرج به صیانت از آن به همان شکل اولیه بستگی دارد. هرگونه مرمت آن باید توسط کارشناسانی خبره و ذی صلاح صورت گیرد و از هرگونه مداخله‌ی ناشیانه و غیرعلمی در اثر، جدا پرهیز شود». (اولیاء، ۱۳۸۳: ۴۸)

### تقدیر و تشکر

از اساتید محترم آقای دکتر نریمان فرح‌زا عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، سرکار خانم دکتر شیدا چنگیزی عضو هیأت علمی گروه هنر و معماری دانشگاه امام جواد (ع) برای تمام حمایت‌ها، آقای مهدی حجازی مهریزی و مدیریت شرکت ره‌نگاران عصر دانش فردا برای تمام حمایت‌های مادی و معنوی که در این مسیر مبذول داشتند قدردانی و تشکر می‌شود.

## منابع و مراجع

- [۱] آزاد، پیمان (۱۳۸۹)، الفبای خودشناسی؛ بینشی نو برای تغییر و دگرگونی، تهران: ذهن‌آویز. چاپ اول.
- [۲] اتو، وین (۱۳۸۴)، معماری و اندیشه نقادانه، ترجمه امینه انجم‌شعاع؛ تهران؛ نشر فرهنگستان هنر.
- [۳] اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۲)، مفاهیم و تکنیک‌های داده کاوی، تهران، انتشارات کیهان.
- [۴] الهیان، هانیه (۱۳۹۷)، بازشناسی مفهوم حریم و حجاب و بررسی سیر تحول آن در خانه ایرانی در گذر از سنت به تجدد (مطالعه موردی؛ خانه‌های سنتی شهر یزد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه هنر مشهد؛ دانشکده هنر و معماری اسلامی؛ گروه معماری اسلامی.
- [۵] اخوت، احمد (۱۳۷۱)، "دستور زبان داستان"، اصفهان: فردا.
- [۶] اولیاء، محمدرضا (۱۳۷۱)، "آشنایی با استادکاران سنتی"، نشریه علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی صفا، سال دوم، شماره ششم، هفتم و هشتم؛ تابستان، پاییز و زمستان.
- [۷] اولیاء، محمدرضا (۱۳۷۳)، "تولید و مصرف فرآورده‌های اطلاعاتی معماری در دانشکده‌های معماری و شهرسازی"، فصلنامه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد، دوره ۱۱، شماره ۱، زمستان.
- [۸] اولیاء، محمدرضا (۱۳۸۱)، شناخت اصطلاحات معماری سنتی ایران (منطقه مورد مطالعه: یزد) به سوی روشی جایگزین در بازشناسی معماری، دانشگاه تهران: پردیس هنرهای زیبا.
- [۹] اولیاء، محمدرضا (۱۳۸۳)، "مسجدجامع فهرج، اثر کم‌نظیر دوران انتقال"، فرهنگ یزد، شماره ۱۸ و ۱۹؛ بهار و تابستان.
- [۱۰] اولیاء، محمدرضا (۱۳۸۹)، "میراث در اغماء"، مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. تهران: نشر سمیرا.
- [۱۱] اولیاء، محمدرضا (بی‌تا)، "فرهنگ صیانت"، مجموعه مقالات دکتر محمدرضا اولیاء، چاپ نشده.
- [۱۲] برتس، هانس (۱۳۸۴)، مبانی نظریه ادبی؛ ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: نشر ماهی.
- [۱۳] بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۹۳)، دیوان شمس تبریزی، نشر خدمات فرهنگی کرمان.
- [۱۴] بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۹۳)، مثنوی معنوی؛ تألیف: رندالدین نیکلسون؛ جلال‌الدین محمدین محمد مولوی؛ بدیع‌الزمان فروزانفر. نشر ثالث.
- [۱۵] بهشتی، سید محمد (۱۳۹۷)، "رموز اهل بیت ۲"، روزنامه اعتماد، شماره ۴۳۱۹.
- [۱۶] ترنر، جان‌تان ایچ (۱۳۷۲)، ساخت نظریه‌های جامعه‌شناختی، مترجم عبدالعلی لهسایی‌زاده؛ شیراز: نوید شیراز.
- [۱۷] تنهایی، ابوالحسن (۱۳۸۹)، تخیل جامعه‌شناختی، تهران؛ انتشارات بهمن برنا، جلد دوم.
- [۱۸] توسلی، غلام‌عباس (۱۳۹۱)، نظریه‌های جامعه‌شناختی، تهران؛ انتشارات سمت.
- [۱۹] توئیچل، پائول (۱۳۷۶)، دندان ببر، تجاربی معنوی از سفر به جهان‌های ناشناخته‌ی درون، مترجم هوشنگ اهرپور؛ تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- [۲۰] جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۶)، شهر و مدرنیته. تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ چاپ دوم.
- [۲۱] جبران، خلیل جبران (۱۳۸۳)، نامه‌های عاشقانه یک پیامبر: مجموعه نامه‌های جبران خلیل جبران به ماری هسکل بین سال‌های ۱۹۲۴-۱۹۰۸، گردآوری و اقتباس آزاد پائولو کوئلیو؛ برگردان آرش حجازی؛ تهران: کاروان، چاپ دهم.
- [۲۲] جعفرزاد، احمد (۱۳۶۸)، "تئوری و تئوری‌سازی"، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء؛ شماره ۱؛ تهران.
- [۲۳] حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۸)، دیوان حافظ، تصحیح محمد قزوینی، تهران: انتشارات پیام عدالت.

- [۲۴] حجت، عیسی (۱۳۸۲)، "آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها"، نشریه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، تهران، شماره ۱۴.
- [۲۵] حجت، عیسی (۱۳۹۲)، "معماری معاصر ایران، رویای تغییر و گسست فرهنگی"، همایش ملی صد سال معماری و شهرسازی معاصر ایران.
- [۲۶] حق‌جو، بهاره (۱۳۹۷)، «هفت‌سنگ» طراحی مجتمع آپارتمانی در یزد با نگاه ویژه به امکان بازی و ارتباط جمعی کودکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علم و هنر؛ دانشکده هنر و معماری؛ گروه مهندسی معماری.
- [۲۷] خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷)، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، تهران؛ کانون فرهنگی انتشارات داریت، چاپ دوم.
- [۲۸] خرم‌پور، یاسین؛ دهقان، علی‌اکبر؛ دهقان، فاطمه؛ بهجتی، سیدفخرالدین (۱۳۹۶)، "بررسی رابطه بین جهانی - شدن و بازانندیشی در بین جوانان شهر یزد"، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره دوازدهم، شماره ۱، پاییز.
- [۲۹] خویی، حمیدرضا (۱۳۷۹)، "مقدمه‌ای در باب نقد آثار معماری"، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۶۰-۶۱.
- [۳۰] خویی، حمیدرضا (۱۳۸۳)، "نسبت دانش معماری با نقد آثار آن"، فصلنامه خیال، شماره ۱۲.
- [۳۱] دانایی‌فرد، حسن، (۱۳۸۴)، "تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی"، تهران، مجله علمی پژوهشی دانشور رفتار، شماره ۱۱.
- [۳۲] دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۵)، فرهنگ دهخدا، تهران: انتشارات موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- [۳۳] رایف، دانیل؛ تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، ترجمه مهدخت بروجردی علوی.
- [۳۴] ر.ک: شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، "جامع الأخبار"، مکتبه الحیدریه، نجف، ص ۸۴.
- [۳۵] رحمانی، الهه؛ اعتصام، ایرج؛ مختاباد امرئی، مصطفی (۱۳۹۶)، مجله علمی و پژوهشی باغ نظر، تهران، سال چهاردهم، شماره ۵۰.
- [۳۶] روحی، ترانه (۱۳۹۵)، "سیاه‌چادر؛ معماری عشایر کوچ‌نشین"، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، تهران، شماره ۴۶ و ۴۵.
- [۳۷] -رحیمی اتانی، سمیرا؛ بذرافکن، کاوه؛ ریسی، ایمان (۱۳۹۷)، "شیوه‌خوانش متن معماری مبتنی بر نظریه‌ی بنیامنتیت"، مجله فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، تهران، شماره ۶.
- [۳۸] رباعی، مسعود (۱۳۹۳)، هفت عمق آگاهی، تهران؛ انتشارات عصر کنکاش.
- [۳۹] ساجدی، عبدالله (۱۳۸۷)، "اصل چهار ترومن و گستره‌ی فعالیت آن در ایران"، پیک نور، سال هفتم، شماره ۲.
- [۴۰] ساده، مهدی (۱۳۷۵)، روش‌های تحقیق با تأکید بر جنبه‌های کاربردی، تهران؛ انتشارات سمت، چاپ اول.
- [۴۱] ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، "روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی"، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۴۲] سروش، عبدالکریم (۱۳۷۹)، قمار عاشقانه شمس و مولانا، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط؛ چاپ چهارم.
- [۴۳] سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۸۵)، کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: خاشع.
- [۴۴] سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۲۳)، علم‌النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- [۴۵] شایان، حمیدرضا و معمار دزفولی، سجاد (۱۳۹۳)، "بررسی تطبیقی رویکردهای معماری معاصر در ایران و بازشناسی نظریه در آثار سه نسل از معماران". مجله علمی و پژوهشی نقش جهان؛ سال چهارم؛ شماره ۲؛ اصفهان.
- [۴۶] شکویی، حسین (۱۳۶۸)، مکتب‌های جغرافیایی و جغرافیای کاربردی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۴۷] صادق‌احمدی، مهدی (۱۳۹۲)، گفتگو با دکتر محمدرضا اولیاء: "میراث مقاومت"، تدبیر آینده، سال سوم، شماره هشتم، تیر و مرداد.
- [۴۸] صادقی پی، ناهید (۱۳۹۲)، "تأملی در معماری سنتی"، مجله صدف؛ شماره ۴۸؛ تهران.
- [۴۹] صدفی، ذبیح‌الله و بابایی، سکینه (۱۳۸۰)، تکنیک‌های خاص تحقیق با تکیه بر برنامه‌ی آماری SPSS، تهران: انتشارات آتیه.
- [۵۰] طالب، مهدی (۱۳۶۹)، چگونگی انجام مطالعات اجتماعی، تهران: امیرکبیر.
- [۵۱] طالقانی، محمود (۱۳۷۵)، روش تحقیق نظری، تهران: انتشارات پیام نور؛ چاپ دوم.
- [۵۲] طایفه، احسان؛ حجت، عیسی؛ انصاری، حمیدرضا (۱۳۹۴)، "تعریف و تدوین دستگاه واکاوی فرم معماری مبتنی بر تحلیل و بازاندیشی دستگاه نقد"، مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۶.
- [۵۳] عامری سیاهویی، حمیدرضا؛ لیتکوهی، ساناز؛ جهان بخش، حیدر (۱۳۹۳)، روش تحقیق در معماری، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- [۵۴] عبیداوی، وهاب (۱۳۹۶)، مطالعات، طراحی و ساخت مزیف خوزستانی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان یزد: واحد شهید صدوقی یزد.
- [۵۵] علوی، پرویز (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق، تهران: موسسه‌ی نشر علوم دین.
- [۵۶] فاخر، علی (۱۳۸۷)، ابزار عمومی تحقیق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۵۷] فرهنگ لغات انگلیسی به انگلیسی آکسفورد، ۲۰۰۵، لندن، انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- [۵۸] فیشر، مارک (۱۳۹۵): حکایت دولت و فرزاندگی، مترجم عفت حیدری، تهران: نیک‌فرجام، چاپ اول.
- [۵۹] قرآن کریم.
- [۶۰] کالینگود، ارجی (۱۳۹۱)، اصول تاریخ، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی، تهران، نشرنی.
- [۶۱] کرلینجر، فرد. ان. (۱۳۷۴)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری (جلد اول و دوم)، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات آوای نور.
- [۶۲] کوهن، توماس (۱۹۸۹)، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه احمد آرام؛ تهران: انتشارات سروش.
- [۶۳] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر مرکز.
- [۶۴] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، مبنای مدیریت، گفتگو با آنتونی گیدنز، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: کویر.
- [۶۵] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر توفیقیان، تهران: نشر نی.
- [۶۶] لاریجانی، فاضل (۱۳۹۰)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی؛ تهران: انتشارات سروش.
- [۶۷] مصاحبه با محمدرضا اولیاء (۱۳۹۴)، مجله چیدمان، سال چهارم، شماره ۱۰، تابستان.
- [۶۸] معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات زرین.
- [۶۹] نصر، سیدحسین (۱۳۹۴)، هنر و معنویت اسلامی، تهران؛ نشر حکمت.
- [۷۰] نظرآهاری، عرفان (۱۳۸۴)، "هر قاصدکی یک پیامبر است"، تهران: افق.
- [۷۱] نیشابوری، عطار (۱۳۹۰)، منطق الطیر، ترجمه‌ی گوهرین؛ تهران؛ نشر علمی فرهنگی.
- [۷۲] ویلیامسون، ماریان (۱۳۹۸)، موهبت‌های روزانه، مترجم محمود پورآزاد؛ تهران: ذهن زیبا، چاپ اول.

- [73] Barthes, R. (1977), "Introduction to the Structural Analysis of Narratives". Trans by s. Heath.
- [74] Farahi, F.(1998), "A brief review and proposal based on Contemporary Architecture," Memari & ShahrSazi, 50-51.
- [75] Mahdavinejad, MJ.; Bemanian, MR. & Molaei, M. (2011), "Field oriented design process – Architecture Experience 2008- 2009," Naghsh-e-Jahan 1
- [76] Mirmiran, H. (2006), "A New Approach in Contemporary Architecture," Memari & ShahrSazi, 84
- [77] Kruft, H.W(1994), A history of architectural Theory: from Vitruvius to the present, Princeton Architectural press; New York.
- [78] Hayden White, Meta history: The Historical Imagination in Nineteenth-Century Europe (Baltimore and London, 1973), xii, 130-131